

Youth Viewpoints on Justice in Persian-Language Iranian Cyberspace (Types, Strategies and Consequences)

Simin Veisi 

PhD in Cultural Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Ardeshir Entezari *

Associate Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Mohammadsaeed Zokaei 

Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Ali Akbar Tajmazinani 

Associate Professor of Social welfare planning, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Our purpose in this research is to identify the types, strategies and consequences of constructing of justice. Most of the definitions of justice are made by youth and in the Iranian virtual space. Therefore, the main method is virtual ethnography and the data was analyzed by semiotic reading and thematic analysis. Types include agentic/critical, responsible, utopian, individualistic and national/transnational justice. Distributive, procedural and interactional justice are the most represented. Although epistemic justice is not expressed directly, it is seen in most definitions. Similarities can be seen between some aspects of the Islamic definition of justice with the Marxist, human rights, and liberal definitions of justice, although the latest definition simultaneously emphasizes individualism. There are strategies such as integrating the definitions of justice, iconizing, the role of power with various discourses, and resisting it in virtual space which has led to elitist definitions of justice, virtual agency of users due to the lack of direct possibility to bargain with power, dual otherizing, resistance to otherizing,

* Corresponding Author: entezari@atu.ac.ir

How to Cite: Veisi . S., Entezari. A., Zokaei. M. S., Tajmazinani. A. A. (2022). Youth Viewpoints on Justice in Persian-Language Iranian Cyberspace (Types, Strategies and Consequences), *Quarterly Journal of Social sciences*, 29(96), 1-46.


and the spread of negative emotions. There was a lack of space in the dialogue between the youth and the power around justice.

Keywords: Construct of Justice, Levels of Justice, Epistemic Justice, Virtual Agency.




دیدگاه‌های جوانان درباره عدالت در فضای مجازی فارسی زبان (سنخ‌ها، استراتژی‌ها و پیامدها)


دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

سیمین ویسی 


دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

اردشیر انتظاری  *

استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمدسعید ذکائی 

دانشیار برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

علی اکبر تاج‌مزینانی 

چکیده

هدف ما در این پژوهش شناخت سنخ‌ها، استراتژی‌ها و پیامدهای برساخت عدالت است. بیشترین تعاریف عدالت توسط جوانان و در فضای مجازی ایرانی صورت می‌گیرد. از این رو روش اصلی قوم‌نگاری مجازی است و داده‌ها به وسیله خوانش نشانه‌شناسی و تحلیل مضمونی تحلیل شدند. سنخ‌ها شامل عدالت عاملانه/منتقدانه، مسئولانه، اتوپیایی، فردگرایانه و ملی/فراملی هستند. عدالت توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای بیشترین بازنمایی را دارند. عدالت معرفتی گرچه به صورت مستقیم بیان نمی‌شود اما در بیشتر تعاریف به چشم می‌خورد. میان برخی ابعاد تعریف اسلامی عدالت با تعاریف مارکسیستی و حقوق بشری و لیبرالیستی از عدالت شباهت‌هایی مشاهده می‌شود، گرچه تعریف اخیر به طور هم‌زمان بر فردگرایی نیز تأکید دارد. استراتژی‌هایی همچون تجمیع تعاریف عدالت، شمایل‌سازی، نقش قدرت با انواع گفتمان‌ها و مقاومت در برابر آن در فضای مجازی وجود دارد که منجر به تعاریف نخبه‌گرایانه از عدالت، عاملیت مجازی کاربران به خاطر نبود امکان مستقیم برای چانه‌زنی با قدرت، دیگری‌سازی‌های دوگانه، مقاومت در برابر دیگری‌سازی‌ها و رواج عواطف منفی شده است. خلأ فضا برای گفتگو میان جوانان با یکدیگر و نیز قدرتمندان پیرامون عدالت احساس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: برساخت عدالت، سطوح عدالت، عدالت معرفتی، عاملیت مجازی.

طرح مسئله

عدالت در جامعه ما از گذشته تا به امروز مسئله مهمی بوده است. در فرهنگ ایرانی به دلیل پرزمینه‌گی فرهنگی و وجود منابع متکثر عدالت، تعاریفی از آن شکل می‌گیرد که نه تنها عمدتاً دچار تناقضاتی بوده و یا مقطعی هستند بلکه با تعاریف گفتمان رسمی از این مفهوم نیز چالش دارند. نبود تعریف مشترک عدالت میان جوانان و حکمرانان باعث شکاف عمیق سیاسی آنان و نیز بیگانگی اجتماعی و سیاسی شده است. به تعبیر نویسندگان مختلف مانند شعبانی ۱۳۶۹، ستاری ۱۳۷۰ و حقیقت ۱۳۷۴ عدالت همواره یکی از مهم‌ترین مسائل ایرانیان بوده است. این ویژگی خصوصاً با پیدایش دولت-ملت مدرن و افزایش ارتباطات، سطح سواد و در نتیجه تکثر منابع تعریف از عدالت، شدت بیشتری پیدا کرده و حضور شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان رسانه‌ای که علاوه بر اینکه بازنمای ذهنیات است، خود می‌تواند بر ذهنیت افراد تأثیرگذار باشد، بر اهمیت و پیچیدگی مسئله افزوده است. طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور ۱۳۹۳ و غفاری ۱۳۹۴ در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در میان گروه‌های مختلف جوانان دانشجوی و غیردانشجو از وجود احساس بی‌عدالتی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، قضایی و قومی در جامعه ایرانی پرده برداشتند. از آنجایی که سهم جوانان در جمعیت کشور بر اساس داده‌های موجود ۲۴ درصد است، مسئله شکل‌گیری دیدگاه‌های جوانان پیرامون عدالت اهمیت ویژه‌ای دارد. دیالکتیک میان ذهن و ساختار که در ایجاد دیدگاه‌های عدالت نمود پیدا می‌کند، باعث تبدیل خرده‌فرهنگ جوانان در دنیای واقعی و مجازی به ریزخرده‌فرهنگ‌های گوناگون و درهم‌تنیده‌ای شده که نیاز به شناسایی دارند. ادامه چنین روندی می‌تواند نتایج ناگواری همچون بیگانگی در تمام سطوح، احساس بی‌تفاوتی و عدم مشارکت در جامعه را داشته باشد.

تحقیقات پیشین جامعه‌شناختی در داخل کشور از اهمیت بی‌عدالتی معرفتی که به گفته فریگر ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، به‌عنوان گونه‌ای که بر اساس تبعیض در شیوه‌های شناخت افراد به وجود می‌آید و نیز بررسی بر ساخت مفهوم عدالت و پیچیدگی‌های علی آن غافل شده

بودند. همچنین پژوهش‌هایی که با عنوان بررسی نابرابری صورت گرفته بودند یا در زمره تحقیقات مکتب کارکردگرایی ساختاری بودند و به بررسی جایگاه افراد در ساختارهای عینی نابرابرانه پرداخته و یا عمدتاً از سوی اقتصاددانان صورت گرفته و با شاخص‌های کمی و اقتصادی به دنبال تعریف برابری و نابرابری بودند. همچنین بررسی‌های صورت گرفته، منابع متکثر تعریف عدالت در نزد جوانان را که می‌توانند زمینه‌های نسبی و مقطعی بودن تعاریف و یا وجود تناقضات درون آن‌ها را تبیین کنند نیز مورد توجه قرار نداده‌اند. دیدگاه‌هایی همچون اسلام، مارکسیسم، لیبرالیسم و حقوق بشر طی قرون متمادی به فرهنگ ایرانی وارد شده‌اند و در نتیجه تعاریف از عدالت و به‌طور خاص تعاریف جوانان ملهم از آن‌هاست. به گفته فلربی (Fleurbaey) و همکاران (۲۰۰۸)، جان راولز با تأکید بر مفهوم ساختار اساسی، از ساماندهی جامعه به گونه‌ای طرفداری می‌کند که از گروهی که از کمترین موهبت‌های اولیه محروم هستند حمایت کند. به باور شوایخ‌دبرود (Shoikhedbrod, 2019) مارکس از صوری بودن حق بورژوازی انتقاد می‌کند، اما هرگز برابری حقوقی و عدالت رویه‌ای را رد نمی‌کند. گرچه به گفته مفسرینی همچون مک‌کارتی (McCarthy, 2018) گمان بر این بود که مارکسیسم هرگونه تصور از عدالت و حق را به دلیل رد کردن مفهوم دولت و یا تقدم عدالت تولیدی بر عدالت توزیعی کنار می‌گذارد، اما در سال‌های اخیر نوعی اقبال عمومی دانشگاهی برای تلفیق دیدگاه‌های مارکس با نگاه‌های لیبرالی و تصور هنجارین از عدالت به وجود آمده است. همان‌طور که وهاب‌زاده (۲۰۱۷) نشان می‌دهد می‌توان این مسئله را در میان جوانان ایرانی با گرایش به چپ جدید در دانشگاه مشاهده کرد. گرچه تصور بر این است که دیدگاه حقوق بشر تا اندازه زیادی با دیدگاه لیبرالی در مورد عدالت همسو است و حتی به گفته ناسبوم (Nussbaum, 1999) با مفهوم خیرهای اولیه راولز مطابقت دارد، اما به گفته منتابورن (2005) و به نقل از بالاکریشنان و همکاران (Balakrishnan, 2016) «کشورهای مختلف معتقدند که حقوق بشر جهانی نیست و آن‌ها مجبور نیستند از آنچه که در فرهنگ آن‌ها مناسب نیست، پیروی کنند». (Balakrishnan, Heintz & Elson, 2016: 20) با وجود این

با افزایش منابع عدالت در دسترس که در اثر گسترش شبکه‌های اجتماعی رخ داده، دیدگاه حقوق بشری رواج زیادی داشته است. همان‌گونه که کوراساوا (Kurasawa, 2007) و سارات و کیارنز (Sarat & Kearns, 2004) نشان می‌دهند در تعریف حقوق بشری از عدالت دیگر تنها دولت-ملت‌ها مخاطب افراد نیستند بلکه نهادهای بین‌المللی نیز در ایجاد قواعد هنجارین و نهادهای عدالت‌محور نقش مهمی دارند. به گفته کاراجیانیس (Karagiannis, 2018)، مرانلو ۲۰۱۵ و عسکری و میرآخور ۲۰۲۰ مسلمانان بر این باورند که عمل بر اساس اصول اسلام موجب می‌شود که آن‌ها در یک سیستم عادلانه زندگی کنند. علاوه بر متفکران مسلمانی همچون ابن‌سینا، غزالی و متفکرانی از این دست، در دوران معاصر نیز محمدباقر صدر، سید قطب، شریعتی و مانند آن پیرامون عدالت سخن گفته‌اند. با ملاحظه تعاریف جوانان در فضای مجازی می‌توان بسیاری از اصول شیعی-ایرانی را دید که بر طبق نظر دهقان ۱۳۸۴ به‌طور هم‌زمان قیام عدالت خواهانه و فلسفه انتظار را در خود ترکیب کرده‌اند. با توجه به آنچه گفتیم، در این پژوهش از انواع سطوح عدالت شناخته‌شده و نیز تعاریف ذکرشده پیشین از عدالت به شیوه‌ای قیاسی و در جهت تکمیل بخش استقرائی استفاده کرده تا بساخت دیدگاه‌های جوانان پیرامون عدالت را بررسی کنیم.

پیشینه تحقیق

پژوهش میرسندسی ۱۳۸۹ که با روش پیمایشی صورت گرفته بر نظریه ترکیبی عدالت تأکید کرده و یافته‌های آن نشان می‌دهند که مردم عدالت تک‌محوری مبتنی بر یکی از اصول استحقاق و یا نیاز را نمی‌پذیرند. محمدجواد زاهدی مازندرانی و همکاران ۱۳۹۲ با استفاده از نظریه جان راولز، عدالت را به سه متغیر آزادی‌های اساسی برابر، فرصت‌های اجتماعی برابر و اصل تمایز تفکیک کرده‌اند. روش پژوهش پیمایشی بوده و یافته‌ها نشان می‌دهند میانگین احساس عدالت بیشتر از حد متوسط شاخص است. بین احساس عدالت و پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد، احساس محرومیت نسبی و میزان احساس عدالت و بین جهت‌گیری ارزشی آن‌ها و میزان احساس عدالت رابطه وجود دارد. یافته‌های پیمایش

ریاحی و همکاران ۱۳۹۷ نشان می‌دهند که بین میزان تماشای تلویزیون داخلی و احساس عدالت، رابطه مثبت برقرار است اما میزان تماشای تلویزیون ماهواره‌ای و استفاده از اینترنت، رابطه‌ای منفی با آن دارند.

شوالب و همکاران در پژوهش خود در ۲۰۰۰ که با رویکرد تفسیری صورت گرفته است نشان داده‌اند که فرایندهای عمومی بازتولید نابرابری شامل دیگربودگی، سازگاری فرمانبرانه، نگهداشت مرزها و مدیریت عواطف هستند. لکویر و همکاران در ۲۰۱۸ به سنجش ادراک از عدالت در ارتباط با کشمکش‌های محیط زیستی در میان مردم کالاکمول مکزیک پرداختند و عدالت را به‌عنوان صورتی از شناخت و عدالت اکولوژیکی را به‌عنوان شکلی از عدالت شرایطمند مفهوم‌سازی کردند. کروین و همکاران ۲۰۱۵ در ایالات‌متحده به آزمایش تأثیر ابعاد چندگانه عدالت سازمانی شامل عدالت توزیعی، رویه‌ای، مراوده‌ای و اطلاعاتی بر روی درک از تعارض درون‌گروهی پرداختند. نتایج نشان دادند که آن‌ها می‌توانند به پیش‌بینی درک از کشمکش‌های درون‌گروهی کمک کنند.

به‌طور کلی پژوهش‌های داخل کشور عمدتاً با روش قیاسی و پیمایشی بوده، بر سطوح عدالت و نه دیدگاه‌های عدالت تأکید دارند، پژوهش‌های خارج از کشور نیز گرچه برساخت عدالت را مدنظر قرار داده‌اند اما بیشتر بر ابعاد عدالت در سطح سازمانی تأکید داشتند و به بررسی دیدگاه‌های عدالت در سطح وسیع نپرداخته بودند. برخی پژوهش‌ها عدالت معرفتی را در زمینه‌هایی محدود از جمله دیلمان ۲۰۱۵ مشروعیت سیاسی، نیویگی‌نگ و ریدلی ۲۰۱۸ ارتقای حمایت از بیماران ذهنی ولی، هرشمن و جانستون ۲۰۱۹ مددکاری اجتماعی، همچنین گلدینگ ۲۰۱۲، مردیث ۲۰۲۰، واکر ۲۰۲۰ و استراود و گرفت ۲۰۲۰ آموزش، موردبررسی قرار دادند. بنابر آنچه گفته شد پژوهش حاضر با ترکیب نقاط قوت پژوهش‌های پیشین همچون بررسی برساخت عدالت، سطوح عدالت، عدالت معرفتی و نیز نقش رسانه‌ها و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی به دنبال شناخت برساخت مفهوم عدالت در زندگی روزمره است.

مبانی نظری

نظریه کنش متقابلی برساخت برابری یا نابرابری: شوالب ۲۰۰۵ با تأثیر از نظریه کنش متقابلی گافمن به توضیح شیوه برساخت واقعیت نابرابر از سوی هر دو گروه فرادست و فرودست در زندگی روزمره پرداخته است. شرط‌های هویتی که از نظر او هم مادی و هم روانی هستند، «قادرند یک مخاطب را متقاعد کنند که ما چه کسی هستیم و باید ادعا کنیم که چه کسی باشیم» (Schwalbe, 2005: 66). همچنین در مورد شبکه‌های مسئولیت‌پذیری به ما می‌گوید «اگر به گونه‌ای رفتار کنیم که دیگران در آن مسئله‌ای عجیب یا از نظر اخلاقی مشکوک ببینند ممکن است برای انجام آن مورد بازخواست قرار بگیریم» (Schwalbe, 2005: 67). بر طبق نظر وست و زیمرمن ۱۹۸۷ افراد از طریق کنش‌های دلالت‌گرانه، بر طبق نظر پسکین ۲۰۰۲ از طریق مکانیسم‌ها (cited in Schwalbe, 2005) و نیز قواعد ضمنی ناخودآگاه (McLeod, Lawler & Schwalbe 2014) به صورت هرروزه در حال ایجاد این واقعیت هستند. از طرفی قدرت فرایند اجتماعی مذاکره‌ای در حال پیشرفت و جمعی است و به شکل گسترده‌ای بر توانایی تعریف موقعیت‌ها و ایجاد تعاریف واقعی مشترک تکیه دارد (Thye & Kalkhof, 2014). هووارد و رنفرو ۲۰۱۴ نیز با مفهوم چارچوب تقاطعی نابرابری بر ارتباط جایگاه‌های افراد با ساختارهای نابرابر، روابط پویا و متداخل تأکید کردند (Howard & Renfrow, 2014).

نظریه عدالت جان راولز: جان راولز نخستین فیلسوف اخلاقی مدرن بود که تأملات جدی را بر روی جایگاه اخلاقی احساس عدالت صورت داد. «در حقیقت کار راولز در مورد احساس عدالت می‌تواند تلاشی برای توضیح دادن این یافته کانت باشد که احساس اخلاقی و ظرفیت اخلاقی و خصوصاً خودمختاری اخلاقی در ارتباط با یکدیگر هستند» (Dirk Dubber, 2006: 81). «در آگاهی اخلاقی مدرن، احساس ما در مورد عدالت به صورت تلویحی به وسیله ایده آل‌های دموکراتیک اشخاص مانند آزادی، برابری و همکاری اجتماعی در بستری از احترام متقابل شکل می‌گیرد» (Freeman, 2007:5). در دیدگاه راولز مفهوم عدالت به وسیله نقش اصول آن در تعیین حقوق و وظایف و تعریفی از

تقسیم مناسب مواهب تعریف می‌شود (Cline, 2013). نظریه عدالت راولز بر این اساس متمرکز است که ساختارهای اساسی جامعه باید به گونه‌ای ساماندهی شوند که از افرادی که از کمترین موهبت‌های اولیه برخوردارند حمایت کند و وقتی همه از قواعد عموماً به رسمیت شناخته‌شده همکاری پیروی کنند و به دعاوی تعیین‌شده با قواعد احترام گذارند، توزیع‌های خاص حاصل‌شده موهبت‌ها عادلانه به شمار آیند (Rawls, 2001). بر طبق اصل پرده بی‌خبری «فرض بر این است که آن‌ها موقعیت خود را در جامعه، طبقه اجتماعی و موقعیت اجتماعی نمی‌دانند و از دارایی‌ها و توانایی‌های طبیعی خود و یا سطح هوششان آگاه نیستند» (Banks, 2009: 345). عدالت به مثابه انصاف شهروندانی را در نظر می‌گیرد که از دو قدرت اخلاقی برخوردارند (۱) قدرت ظرفیت برای احساس عدالت. این ظرفیتی برای فهم، به کار بردن و عمل به اصول عدالت سیاسی است (و نه صرفاً تطبیق با آن) که اصطلاح متناسب با همکاری اجتماعی را مشخص می‌سازد. (۲) قدرت اخلاقی دیگر ظرفیت برای مفهوم موهبت است که ظرفیتی برای داشتن، اصلاح و پیگیری عقلانی مفهومی از موهبت است (Rawls, 2001). راولز آزادی و عدالت را به صورت هم‌زمان مطرح می‌کند. «با در نظر گرفتن این دو اصل باهم ساختار اساسی تنظیم می‌شود تا حداقل منفعت که در طرح کامل آزادی قانونی برابر که میان همگان مشترک است را به حداکثر ارزش برساند» (Shoikhedbrod, 2019: 43). «حق آزادی و فرصت‌های برابر برای همه باید نسبت به ترقی وضعیت اقتصادی و اجتماعی فقیرنشینان اولویت داشته باشد و به نوبه خود به آزادی‌ها بیشتر از برابری فرصت توجه شود» (Fleurbaey, Salles & Weymark, 2008: 3).

نظریه عدالت مایکل والزر: عدالت یک برساخته بشری است و بعید است که بتوان آن را فقط به یک شیوه ساخت. اصول عدالت، خود به لحاظ فرم، کثرت گرا هستند، مواهب اجتماعی باید در انطباق با روال‌ها و به دست کارگزاران مختلف توزیع شوند و دلیل این موضوع از استنباط‌های متفاوت از خود مواهب اجتماعی نشأت می‌گیرند، چراکه محصول ناگزیر خاص‌گرایی تاریخی و فرهنگی‌اند (Walzer, 2009). از نظر والزر آنچه بیش از نحوه توزیع خیرهمگانی دارای اهمیت است، تصور مردم هر جامعه درباره آن‌هاست و

سپس نوبت به تعیین اصول حاکم بر توزیع عادلانه موهب اجتماعی می‌رسد؛ بنابراین تا زمانی که تعاریف افراد از معنای خیرهمگانی مشخص نشود نمی‌توان در سطح کلان سیاسی از توزیع آن‌ها سخن گفت (Lashkari, 2014).

سطوح عدالت اجتماعی

عدالت توزیعی: در این پژوهش ابعاد مختلف عدالت شامل عدالت توزیعی، رویه‌ای، بینافردی و اطلاعاتی که در پژوهش‌های پیشین به صورت پراکنده آورده شده بودند را به عنوان لایه‌های مختلف بررسی واقعیت اجتماعی عدالت در نظر می‌گیریم. همان‌گونه که فولگر و کونوفسکی ۱۹۸۹ می‌گویند عدالت توزیعی به درکی که مردم در مورد توزیع منابع و یا مقدار پاداشی که فرد به واسطه تلاش خود در سازمان دریافت کرده است اشاره دارد. به گفته آدامز ۱۹۶۵ عدالت توزیعی در ارتباط با درک فرد از عدالت برحسب مقایسه نسبت توزیع درآمد فرد و درآمدهای سایر اعضای سازمان محاسبه می‌شود (Cited in Babatunde Muraina, 2016). عدالت توزیعی اشاره به ارزیابی عدالت از تخصیص درآمدها دارد (Vermont & Tornblom, 2007). به گفته مک‌لئود و همکاران همه مواهبی که عدالت توزیعی با آن‌ها سروکار دارد مواهبی اجتماعی‌اند. مواهب در جهان معناهای مشترک دارند، زیرا تصور و خلق آن‌ها فرایندهایی اجتماعی‌اند (McLeod, Lawler & Schwalbe, 2014).

عدالت رویه‌ای: بر طبق نظر مونتادا ۲۰۰۷ عدالت رویه‌ای یعنی عدالت درک شده از فراگردهایی که به موجب آن‌ها پیامدها تخصیص می‌یابند، نیز دارای اهمیت است. این مفهوم به این می‌پردازد که تصمیمات چگونه باید اتخاذ گردند تا منصفانه به نظر برسند. «نظم عدالت توزیعی به صورت هرروزه به وسیله موقعیت‌های ساختاری مردم در یک جامعه مفروض متأثر می‌گردد. به‌طور خاص، سن، جنسیت، موقعیت تحصیلی، طبقه اجتماعی، موقعیت شغلی و درآمدی صورت‌های ساختاری اجتماعی مهمی هستند» (Lengfeld, 2007: 207). همان‌گونه که فولگر و کراپانزانو ۱۹۹۸ می‌گویند عدالت رویه‌ای بر درک

از عدالت که چگونه مقادیری از پاداش‌ها یا تنبیه‌ها تعیین شده‌اند تأکید دارد. در مطالعه مهمی که توسط ساندرز و تورنهییل صورت گرفته است عدالت رویه‌ای به‌عنوان عدالت درک شده افراد سازمان از فرایند توزیع مسئولیت‌ها، جبران‌ها و پاداش‌ها تعریف می‌شود (Cited in Komodromos & Halkias, 2015).

عدالت مراوده‌ای: بایس و موگ ۱۹۸۶ و بایس ۱۹۸۷ مفهوم عدالت مراوده‌ای را مطرح کردند. بر طبق نظر بایس از آنجایی که تصمیم‌گیرندگان ممکن است مسئول تمامی اتفاقات ناگوار دانسته شوند بنابراین «به تعبیه کردن تمهیداتی خواهند پرداخت که امیدوارند به آن‌ها این اجازه را بدهد تا از هرگونه عمل متقابل فردی که احساس می‌کند ناعادلانه با او رفتار شده است در امان بمانند» (Folger & Cropanzano, 2001: 2). این صورت از عدالت بر رفتار تصمیم‌گیرندگان با افراد تمرکز دارد و اینکه آیا حساسیت نسبت به احترام در تمام فرایند تصمیم‌گیری دیده می‌شود؟ (Kasemsup, 2016: 85). اگر عدالت بینافردی بر احساس احترام داشتن (Komodromos & Halkias, 2015) تأکید دارد، عدالت اطلاعاتی اشاره به اطلاعات کافی دارد که به شکل صادقانه‌ای برای توضیح رویه‌های تأییدشده و توزیع درآمدها وجود دارند (Chelladurai, 2006). «عدالت اطلاعاتی زمانی اتفاق می‌افتد که افراد اطلاعات مناسب، کامل و دقیقی در مورد سیاست‌ها و رویه‌هایی که در سازمان جاری است، دارند» (Lyer, 2008:227). در این مقاله برآنیم که این دو صورت از تعریف عدالت قابلیت تعمیم به کل جامعه به‌عنوان یک ساختار رادارند و منحصر به سازمان‌ها نیستند.

عدالت معرفتی: بر طبق نظر فریکر 2007، 2006 بی‌عدالتی معرفتی زمانی اتفاق می‌افتد که ظرفیت یک فرد به‌عنوان داننده مورد بی‌توجهی واقع گردد؛ بی‌عدالتی تصدیقی زمانی اتفاق می‌افتد که تعصب باعث شود شنونده اعتبار کمی به کلمات گوینده بدهد. بی‌عدالتی هرمنوتیکی در مرحله قبل اتفاق می‌افتد، یعنی شکاف در

منابع تفسیر جمعی باعث می‌شود هنگامی که فرد می‌خواهد به تجربه جمعی خویش معنا ببخشد به صورت ناعادلانه متضرر گردد (Fricker, 2007:1).

بی‌عدالتی هرمنوتیکی که برخلاف بی‌عدالتی تصدیقی «پیش از فعالیت ارتباطی» رخ می‌دهد در ارتباط با مفهوم «حاشیه‌نشینی هرمنوتیکی» است که بر وضعیت بهتر و قدرت بیشتر برخی از گروه‌های اجتماعی و موقعیت حاشیه‌ای برخی دیگر در تولید معانی تأکید دارد (Coady, 2017). در فضای مجازی به‌عنوان میدان موردبررسی و ادامه دنیای واقعی، عدالت معرفتی در نتیجه معیار یا غیرمعیار بودن خرده‌فرهنگ یا به بیان دقیق‌تر ریز خرده‌فرهنگ‌های جوانان به وجود خواهد آمد. بنابر آنچه گفتیم از نظریه‌های موجود شامل نظریه راولز (نگرشی لیبرالی-مارکسیستی به عدالت)، والزر (برساختی بودن موهبت)، نظریات مکتب کنش متقابل نمادین (برساخت شدن عدالت در سطح زندگی روزمره) و نیز سطوح عدالت به‌عنوان ابعاد مختلف واقعیت اجتماعی عدالت برای بررسی برساخت مفهوم عدالت بهره خواهیم برد.

چارچوب مفهومی

در بررسی برساخت مفهوم عدالت از چند نظریه کمک می‌گیریم. با استفاده از نظریه عدالت جان راولز به دنبال این هستیم تا ببینیم آیا شرایط نهادینه عدالت مدنظر راولز و توافق همگانی در مورد عدالت وجود دارد؟ انتخاب این نظریه به علت جامع بودن آن (لیبرالیستی / مارکسیستی) نیز است. مکمل آن را می‌توان نظریه عدالت والزر دانست که مبتنی بر کثرت‌گرایی و زمینه‌مند بودن تعریف از عدالت معتقد است. این نظریه در جامعه ما که تعریف از موهبت و شرایط استحقاق آن کاملاً فردی و ذهنی است می‌تواند کاربرد داشته باشد. خصوصاً در سال‌های اخیر با افزایش منبع عدالت به علت دسترسی به رسانه‌های گوناگون این پیچیدگی در تعریف عدالت و در نتیجه نسبی بودن، متغیر بودن و غیرمنسجم بودن دیدگاه‌های عدالت در حال افزایش است. از طرفی برای شناخت فرایند ساخته شدن عدالت در زندگی روزمره نیاز به نظریات مرتبط بود. شوالب و سایر متفکران مکتب کنش متقابل نمادین در مورد برابری از مفاهیمی همچون شرط‌های هویتی و شبکه‌های

مسئولیت‌پذیری، کنش‌های دلالت‌گرانه، مکانیسم‌ها و قواعد ضمنی ناخودآگاه در شکل‌گیری هرروزه نابرابری‌ها در جامعه سخن می‌گویند. توجه برخی از متفکرین این مکتب به قدرت به‌عنوان امری پویا، برساخت‌شونده و متداخل نشانگر درک عمیق و چندلایه آن‌ها از ایجاد برابری می‌تواند در بررسی دیدگاه‌های جوانان در مورد عدالت به ما کمک کند. در این پژوهش با استفاده از حساسیت نظریه‌ها و دیدگاه‌های عدالت به دنبال شناخت برساخت این مفهوم با شناسایی سنخ‌ها، استراتژی‌ها و پیامدهای این تعاریف در فضا هستیم. فضای مجازی به‌عنوان مهم‌ترین فضای برساخت آن و جوانان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین گروه در مورد عدالت انتخاب شده‌اند.

روش تحقیق

در این پژوهش از رویکرد کیفی و به‌طور خاص قوم‌نگاری مجازی بهره برده‌ایم. در این روش کردارهای فرهنگی در فضای مجازی مورد مطالعه قرار می‌گیرند تا چگونگی شباهت آن‌ها با یکدیگر و نیز تفاوت آن‌ها با سایر اشکال فرهنگی را درک کنیم (Boellstorff, Nardi, Pearce & Taylor, 2012). نمونه‌گیری هدفمند و شامل همه صفحات افراد جوانی است که در ایران، در فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام و یوتیوب به‌نوعی به خود ابرازی و یا گفتگو پیرامون عدالت پرداخته بودند. گرچه به‌طور مثال توئیتر کارکرد سیاسی و اینستاگرام کارکرد سرگرمی بیشتری دارند اما در سال‌های اخیر نوعی همگرایی میان شبکه‌ها در حال روی دادن است. طی مدت بیش از یک سال، به‌صورت متناوب ساعتی از صبح، بعدازظهر یا شب برای بررسی صفحات اختصاص داده می‌شد. «داده‌هایی که از طریق ضبط و ثبت وقایع و تعاملات اجتماع آنلاین ایجاد می‌شوند» (Kozinets, 2010: 19). هنگام نمونه‌گیری، گروه‌های سنی بین ۱۸ تا ۳۵ سال و از گروه‌های مختلف جنسیتی، قومی و طبقاتی به نسبت متوازن در نمونه‌ها وجود داشت و داده‌ها شامل تصاویر موجود در پست‌ها و نوشته‌ها شامل زندگی‌نامه، کپشن‌ها، نوشته‌های موجود در پست‌ها و مانند این بودند. گویون ۲۰۰۸ روش مشاهده غیر مشارکتی را در مواردی که حضور محقق باعث برهم زدن گروه شود مجاز می‌داند؛ «محققان ممکن است علاقه‌مند به تعاملات بین اعضای

یک جامعه اینترنتی باشند که خودشان به آن تعلق ندارند» (Given, 2008: 561). در فضای مجازی ایران که دسته‌های مختلفی از ذائقه، اندیشه، خرده‌فرهنگ و غیره وجود دارد و نیز با توجه به حساسیت موضوع و البته خاصیت ذهنی آن، وجود داده‌های از پیش موجود که بدون مداخله محقق به دست آمده باشند تصویر روشن تری از واقعیت به ما ارائه می‌کند.

تحلیل یافته‌ها به دو روش نشانه‌شناسی و تحلیل مضمونی صورت گرفت. در نشانه‌شناسی ساختارگرا «هر گفتاری تنها در ارتباط با سایر واژگان در یک سیستم فرهنگی بزرگ‌تر که همه این‌ها در آن برساخت شده‌اند معنا می‌یابد» (Grbich, 2004: 33). در این روش ارزش یک نشانه توسط روابط هم‌نشینی و جانشینی که زمینه ساختاری را ارائه می‌دهند که در آن علائم معنا پیدا می‌کند مشخص می‌شود (Chandler, 2004). در اینجا صفحه شخصی فرد شامل تصاویر و نوشته‌ها به عنوان یک ساختار در نظر گرفته شد و قواعد هم‌نشینی و جانشینی در آن مورد بررسی قرار گرفت. در بخش دوم و برای تکمیل تحلیل بینامتنی (روش نشانه‌شناسی پس‌ساختارگرا) نیز صورت گرفت. به عبارتی آنچه کاربران در صفحات خود به صورت ساختاری در مورد عدالت بیان می‌کنند با سایر ساختارها از جمله متون عدالت، گفتمان رسمی و به طور خاص رسانه‌های رسمی و سایر ساختارهای کلان اقتصادی و سیاسی در ارتباط است. این رویکرد به دنبال تعدد معناست و شامل «خوانش سراسر متن و پرده‌برداری از بعد ناخودآگاه تضادهای درونی یا مفروضات ایدئولوژیک ضمنی ناگفته» است (Martin & Ringham, 2006: 154). بینامتنیت به این معناست که هر متنی متون دیگر را در خود جذب کرده و انتقال می‌دهد (Kristeva, 1989). فرض بر این است که برای فهم آنچه در صفحه شخصی فرد بازنمایی می‌شود باید به متون دیگری که معنای آن‌ها در آن مستتر است رجوع کرد. همچنین نوشته‌های موجود در فضای مجازی نیز تحلیل مضمونی شدند. «مضمون ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است» (King & Horrocs, 2010: 150). منطق حاکم بر این پژوهش استقیاس است. گرچه از مفاهیم و ایده‌های نظریات در گردآوری داده‌ها و تحلیل نتایج بهره بردیم اما از

طرفی بخش مهمی از مضمون‌ها، مقولات و روایات به صورت استقرائی به دست آمدند. اعتبار و پایایی و کسب تعمیم مطلوب به دلیل کیفی بودن رویکرد پژوهش توسط باورپذیری مدنظر لینکلن و گوبا ۱۹۸۵ و به نقل از فلیک، ۱۳۸۷ به دست آمد که شامل روش‌هایی همچون حضور طولانی مدت در میدان و مشاهدهٔ مداوم است.

یافته‌های تحقیق

۱. **سنخ‌های عدالت:** اولین مقوله سنخ‌های تعریف عدالت است که به صورت استقرائی به دست آمده و مضمون‌های مربوط به آن در ادامه خواهند آمد:

۱-۱ **عدالت عاملانه/منتقدانه:** این صورت چون در جامعه محیطی برای نمود ندارد در فضای مجازی راه پیدا کرده است که می‌تواند منجر به ایجاد هشتگ‌ها، کمپین‌ها و حتی جنبش‌های اجتماعی گردد. گاه از طریق گفتگو با قدرت مطالبه‌گری‌های قانونی رخ می‌دهد که می‌تواند امیدبخش باشد. عدم امکان تأثیرگذاری مورد انتظار و به عبارتی نبود عدالت معرفتی، بینا فردی و اطلاعاتی سبب افزایش احساس نفرت و خشم و سپس غم و ناامیدی در جامعه می‌شود؛ بنابراین همواره ترکیبی از این عدالت عاملانه و غیر عاملانه را شاهد هستیم. عدالت زمانی که صورت غیر عاملانه به خود می‌گیرد با اموری همچون جبرگرایی، ناسزاگویی و نفرین کردن همراه می‌شود. از نمونه‌های آن می‌توان کاربرد اصطلاحاتی همچون «جبر جغرافیایی»، «خدا جواب همه رو بده»، و اگذار کردن به خداوند و نفرین کردن و حتی شطح‌گویی و مانند این را ذکر کرد. به عبارتی کنش غیر عاملانه به صورت‌های منفی تبدیل می‌شود که گاه خشم و نفرت را نسبت به دیگری با لعن و نفرین و گاه نسبت به تقدیر و خداوند با شطح‌گویی نشان می‌دهد.

۲-۱ **عدالت مسئولانه:** در عدالت مسئولانه افراد خود را به خاطر شرایط موجود و مناسب نبودن آن مقصر می‌دانند. عدالت در اینجا باز توزیع بهتر مواهب عمدتاً مادی تعریف شده و خصوصاً در مواقع بحرانی مانند بحران‌های طبیعی یا غیرطبیعی همچون

افزایش تحریم‌ها و افزایش مشکلات اقتصادی گسترش و نمود بیشتری در فضای مجازی دارد. افراد با الهام از تعریف اسلامی عدالت بر باز توزیع مجدد مواهب توسط خود افراد جامعه تأکید می‌کنند، گرچه همواره در نهایت بر حل ریشه مشکلات اقتصادی توسط دولت تأکید می‌شود. هشتگ‌هایی همچون «باید از خودمون شروع کنیم» و یا عباراتی همچون «تنها راهش همین» «مغزهای کوچک زنگ زده» (در نقد رفتارهای غیرمسئولانه و غیرعقلانی مردم) همگی بر این نوع عدالت دلالت دارند. جوانان در کمپین‌های بسیاری به صورت عمل‌گرایانه به جمع‌آوری کمک‌های مالی برای بیماران خاص و یا نیازمندان مالی می‌پردازند.

۱-۳ عدالت اتویایی: در مقابل عدالت عاملانه و مسئولانه، عدالت اتویایی که همراه با قهرمان‌سازی است قرار دارد. عدالت اتویایی که با افزایش مشکلات اجتماعی گسترش بیشتری یافته است شامل آماده کردن خود و جامعه برای برقرار کردن عدالت سیستماتیکی است که بر طبق معنای اسطوره‌ای و حتی دینی آن توسط ناجی یا ناجیانی صورت خواهد گرفت. افزایش مدعیانی که خود را ناجی می‌دانند و برخی خود را یمانی معرفی می‌کنند (مانند جریان‌های انحرافی احمدالحسن، محمدا و مانند این) خصوصاً در مواقع حساس همچون شیوع کرونا، انتخابات و مانند این نشان از اتویایی شدن مفهوم انتظار و انفعال جامعه است که در نهایت موجب شده افرادی از این خلأ استفاده کنند. گاه این ناجیان ادعای کاریزماتیک بودن ندارند و صرفاً در زمره جوانمردان و لات‌ها قرار می‌گیرند. این تعریف از عدالت در نهایت به انفعال منتهی می‌شود.

۱-۴ عدالت فردگرایانه: افراد به صورت فردی به دنبال دریافت مطالباتشان هستند که در گفتگوهای شخصی با مسئولین در صفحات آن‌ها و یا در کنشگری سیاسی و به‌طور خاص رأی دادن باانگیزه‌های فردی و یا درون‌گروهی آشکار است. به عبارتی خودتحقق‌بخشی‌های فردی مادی و معنوی و نیز سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نسبت به سرمایه اجتماعی برون‌گروهی اولویت دارد. در جریان اعتراضات واقعی و مجازی برای لغو

کنکور سراسری تا حد زیادی فردی بودن تعریف عدالت دیده شد. حتی در میان داوطلبان کنکورهای مقاطع گوناگون، افراد شرایط خود را در نظر گرفته و هر شخص برگزار شدن و یا نشدن آن را با توجه به شرایط خود عادلانه و یا غیرعادلانه ارزیابی می‌کرد. البته گاهی این نگاه فردگرایانه خود را به صورت جمعی نیز نشان می‌داد؛ گرچه مطالبهٔ یکایک کاربران دریافت کیت تشخیصی و یا واکسن کرونا برای خود و خانواده بود اما چون در فضای مجازی نوعی همگرایی در صداها به وجود می‌آید در نهایت نوعی صف‌کشی در برابر قدرت را می‌شد ملاحظه کرد.

در قضیهٔ مرگ علی انصاریان فوتبالیست، تضاد دیدگاه‌ها در مورد عدالت دیده شد. عده‌ای پزشک او را مقصر دانسته و با استفاده از خاصیت داستان‌سازی فضا شروع به تخریب و توهین کردند. مثلاً از آنجایی که تصور می‌کردند انصاریان نماد نسل جوان بوده و یا او را به صورت تلویحی جزو قهرمان‌های مردمی و تا حدودی در مقابل قدرت می‌دانستند و پزشک و کادر درمان را نماد قدرت دانسته، بنابراین شروع به گمانه‌زنی و فحاشی کردند. با مطرح شدن توضیحات پزشک، عده‌ای گروه اول را سرزنش کردند که چرا با وجود فداکاری‌های پزشکان آن‌ها را مؤاخذه می‌کنید. از طرفی عده‌ای نیز با توضیحات پزشک مبنی بر وجود دو پرستار بر بالین فوتبالیست مذکور احساس تبعیض کردند. عده‌ای نیز نهایتاً پزشک را تبرئه کرده و حاکمیت را به علت عدم ورود واکسن مؤاخذه کردند. به عبارتی دال پزشک به طور متناوب با مدلول فرد وابسته به قدرت و متمایز با قدرت همراه شده و همین مسئله باعث نگاه منفی، نگاه مثبت، قهرمان‌سازی و دیوسازی چندین گروه از جمله کادر درمان، سلبریتی‌ها و ورزشکاران و حاکمیت شد و در هر قرائت برخی از آن‌ها در پیوند با یکدیگر قرار گرفتند. در اینجا می‌توان آنچه را که ذکایی و ویسی ۱۳۹۸ چرخه‌ای و گسسته بودن امیدورزی در فضا نامیدند، مشاهده کرد. دال عدالت در اینجا همچون دال امیدورزی و حتی همسنگ با آن از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود. همچنین آنچه ذکایی و ویسی ۱۳۹۹ و ذکایی و ویسی ۱۴۰۰ (a) با عنوان تقابل امید جمعی و امید عمومی و گسسته شدن امید عمومی و جمعی از درون نامیدند را می‌توان مشاهده کرد.

تناقضات به وجود آمده در فضای مجازی و صف‌کشی گروه‌های گوناگون در برابر یکدیگر در موارد مختلف باعث می‌شوند تا گروه‌های مردم به‌عنوان نمایندگان امید جمعی (امید برخاسته از مردم) و نیز بخش‌های مختلف حاکمیت (امید عمومی و برخاسته از حاکمیت) از درون گسسته شوند به طوری که گاهی بخش‌هایی از یکی با بخش‌هایی از دیگری همراه می‌شوند.

۱-۵ عدالت ملی/فراملی: گاهی تعریف عدالت شامل تعاریف صنفی یا محلی (روستایی، شهری یا استانی) می‌گردد که به‌طور مثال در قضایای اعتراضات کارگران و معلمان، انتقال آب بین‌استانی و مسائلی از این دست مشهود است. در اینجا مردم یک گروه یا شهر یا استان عدالت را بر اساس منافع گروهی خود تعریف می‌کنند و همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم عدالت با سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، همبستگی درون‌گروهی و نیز احساس تملک بر سرمایه‌های طبیعی پیوند دارد. زمان‌هایی که مسائل محلی با موضوعاتی همچون حقوق بشر نزدیکی پیدا کنند و یا از طریق بینامتنیت با سایر وجوه عدالت و یا سایر دیدگاه‌های مربوط به عدالت (تعریف لیبرالیستی، مارکسیستی و یا اسلامی از عدالت) و سایر مسائل روز و یا تاریخی پیوند یابند، تعریف ملی یا جهانی نیز پیدا خواهد کرد که به‌طور مثال در قضیه کارگران نیشکر هفت‌تپه، کولبرها، سوخت برها و حتی حوادث طبیعی رخ داده همچون زلزله سرپل ذهاب یا بوشهر قابل مشاهده است. تعریف عدالت گرچه در ابعاد ملی و در رابطه با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور صورت می‌گیرد اما دارای ابعاد فراملی و خصوصاً منطقه‌ای نیز هست که با سازوکارهای بین‌المللی و مفهوم کلی شفقت ارتباط دارد. در بعد منطقه‌ای که به تعبیر انتظاری ۱۳۸۹ می‌توان آن را عدالت قطبی نامید و نیز در بعد فراملی تعابیر افراد از عدالت شامل خوانش‌های مرجح، توافقی و تخلفی است. شباهت زیست‌بوم، موقعیت استراتژیک، تشابهات قومی و دینی و مانند این باعث شده تا عدالت قطبی نزدیکی زیادی با تعاریف افراد از عدالت ملی داشته باشد. در مواردی همچون افغانستان به دلیل پیوندهای دیرینه فرهنگی و سرزمینی شاهد هشتگ‌های زیادی همچون «با افغانستان ایستاده می‌شویم»، «مقاومت» و مانند این بودیم. از

طرفی عدالت فراملی نیز که بر پایهٔ شفقت نسبت به هم‌نوع تعریف می‌شود در نهایت در دوران‌هایی که احساس عدالت ملی دچار خدشه گردیده اهمیت بیشتری می‌یابد؛ اعتراضات به بی‌عدالتی ساختاری در آمریکا که جرعهٔ آن بعد از مرگ جرج فلویید در می سال ۲۰۲۰ زده شد و یا جنبش جلیقه‌زردها در فرانسه به دلیل اینکه کاربران دارای حس مشابهی از بی‌عدالتی ساختاری بودند اهمیت بیشتری پیدا کرد.

جدول ۱. سنخ‌های عدالت

Table 1. Types of justice

مضمون‌ها	مصادیق	جملات نمونه یا نشانه‌شناسی تصاویر
عدالت عاملانه/منتقدانه	انتقادات در موضوعات گوناگون و پاسخ خواستن از مسئولین به خاطر اشتباهاتشان	«هنوزم که هنوز خیلی از ماها از گرفتن حقمون و یا حتی حرف زدن در مورد حقمون و دفاع کردن از حقمون می ترسیم»
عدالت مسئولانه/ کنشگرانه	احساس مسئولیت جمعی و دعوت از سایرین برای ایجاد اقدام عملی فردی یا جمعی	«آگه یه هفته بنزین نرنی مجبور می‌شن به قیمت اصلی برش گردونن»، «نه به خرید خودروی گران»
عدالت اتویپایی	منجی مذهبی، سیاسی و آیکون‌های خرده‌فرهنگ جوانمردان	«یه روز خوب میاد»، «امید همهٔ محرومان»
عدالت فردگرایانه	درخواست مطالبات فردی در صفحات مسئولین یا رأی دادن‌های درون‌گروهی	درخواست‌های فردی در صفحات مجازی مسئولین، «...افتخار قوم...» در جریان رقابت‌های انتخاباتی
عدالت ملی/فراملی	تعریف عدالت گاه در ابعاد ملی و گاه در ابعاد فراملی	از تصاویر سطوح بی‌عدالتی در سطح ملی تا جنگ و ویرانی در کشورهای منطقه تا اعتراضات جلیقه‌زردها در فرانسه و ...

مقوله
شماره ۱:
سنخ‌های
عدالت

۲. **برساخت شدن سطوح عدالت در فضا:** علاوه بر سنخ‌های تعریف عدالت که به صورت کاملاً استقرائی به دست آمدند نیازمند بررسی سطوح عدالت که قبلاً به صورت نظریاتی مطرح گردیده بودند در فضای مجازی بودیم:

۱-۲ عدالت توزیعی: معیار عدالت توزیعی معمولاً برابری است؛ همه افراد نیازمند بهره بردن از حداقل معیشت هستند. شاهد تقلیل یافتن تعریف عدالت به عدالت توزیعی یعنی تقسیم درست تغذیه، تحصیل، شغل، بهداشت و مانند این، در فضای مجازی هستیم که برخاسته از پایین آمدن استانداردهای تعریف عدالت به خاطر مشکلات اجتماعی و اقتصادی موجود، تأثیرپذیری از گفتمان‌های تقلیل‌گرایانه سیاست‌مداران، گفتمان‌های جهانی و حقوق بشری که بر اصول اولیه و جهانی عدالت تأکید دارند و نیز خاصیت تصویری فضای مجازی است که مورد آخر سبب مقایسه می‌گردد؛ مقایسه وضعیت معیشتی با گذشته، سایر کشورها و نیز مقایسه با وضعیت رفاه مسئولین، سلبریتی‌ها و مانند این. مرکزگرایی موجود در سیاست‌گذاری‌ها نیز نمود بیشتری یافته است؛ افراد و خصوصاً ساکنان مناطق محروم‌تر در کشور در مورد خودشان و نیز گروه‌های دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود برخورداری از منابع بسیار سهمی در موهبت‌های توزیع‌شده ندارند. آن‌ها معتقدند بر اساس عدالت بر مبنای انصاف به دلیل برخورداری بیشتر از مواهب طبیعی و یا مثلاً به دلیل ارجاع به یک گذشته طلایی و حتی اساطیری که در آن افراد وضعیت خوبی داشته‌اند مستحق شرایط موجود نیستند. مؤاخذه قدرتمندان و مسئولین که خود را در هشتگ‌هایی همچون «رانت‌خواری»، هشتگ «فرزندت کجاست؟»، «آقازادگی»، «سهمیه» ها و مانند این نشان می‌دهد بیانگر کم بودن موهبت‌ها و اعتراض بر سر توزیع آن‌ها از نظر کاربران است. همچنین تصاویر مقایسه‌ای در فضا وجود دارند که آستانه عدالت را بین گروه‌های مختلف نشان می‌دهند؛ قرار دادن تصویر زباله‌گردی که واکنش داده (که نشان از پایین بودن حقوق اجتماعی او و اینکه نهایتاً تزریق واکسن موهبت بزرگی برای او محسوب می‌شود) و در کنار آن خبر افزایش حقوق اعضای هیئت‌علمی وزارت بهداشت به ۸۴ میلیون تومان، تصویر کولبر (ترجیحاً خوش‌چهره، تحصیل‌کرده) در کنار آقازاده و یا سلبریتی که به واسطه شرایطی همچون فساد اداری، سطح نازل بازار هنر و یا اتصال به مراکز قدرت به ثروت زیادی دست پیدا کرده و در مدل ماشین و یا نوع تفریح او کاملاً آشکار است.

۲-۲ عدالت رویه‌ای: گفتگو بر سر تعریف مواهب و تقسیم آن‌ها معمولاً منطبق با تعاریف رسمی و قانونی است. معمولاً عدالت رویه‌ای از عدالت معرفتی بالاتر دانسته می‌شود و به عبارتی مسئلهٔ اصلی توزیع مجدد مواهب است و بر سر این بحث نمی‌شود که چه کسانی باید بتوانند به این توزیع مجدد بپردازند و یا بر طبق چه اصولی این توزیع مجدد صورت بگیرد. معمولاً این «کسان» شامل گروه‌های رسمی حاکمیت و یا قهرمانان مدنی هستند که عدالت را برقرار خواهند کرد و بدون شک تعریف مواهب و شیوهٔ توزیع به همین افراد بستگی خواهد داشت. به ندرت بر سر این بحث می‌شود که چرا گروه‌های در حاشیه‌ای همچون جوانان، کارگران و مانند این توان گفتگو در مورد مواهب و تغییر در قوانین را ندارند. عدالت رویه‌ای معمولاً معیار و میزانی ندارد و این مسئله از بدون معیار بودن عدالت توزیعی نیز نشأت می‌گیرد. به عبارتی مشخص نیست که اصولاً تعریف موهبت چیست؟ افراد در چه صورت و در صورتی که تا چه میزان از مواهب بهره‌مند گردیده باشند احساس عدالت خواهند کرد؟ حق در موارد بسیاری با آرزو یکسان دانسته می‌شود و مشخص نیست که مرز برآورده شدن آن دقیقاً کجاست. به طور کلی عدالت توزیعی و رویه‌ای به دلیل وجود عنصر مقایسهٔ عینی (تصاویر-ارقام حقوق و مانند این) قدرتمندان و مسئولین با اقشار پایین جامعه و انعکاس قوانین و گفته‌های سیاستمداران که بر منابع عدالت افراد افزوده همواره مطرح هستند و این در حالی است که در مورد عدالت بینافردی، اطلاعاتی و معرفتی چنین تمرکز و اجماعی وجود ندارد.

۳-۲ عدالت اطلاعاتی: جوانان معتقدند باید در جریان اتفاقات ملی باشند. از آنجایی که رسانه‌های رسمی نمی‌توانند به درستی چنین نقشی را انجام دهند برای کسب اطلاعات به شبکه‌های اجتماعی روی آورده که در اینجا نیز عمدتاً شایعات و اخبار منفی تجمیع می‌گردند. یکی از مهم‌ترین بخش‌ها که بی‌عدالتی اطلاعاتی در آن احساس می‌شود غرور ملی است. فضای مجازی همچون حمام‌های عمومی و یا بازار و قهوه‌خانه‌ها در دوره‌های پیشین نقش «حوزهٔ عمومی» را بازی کرده که در آن افراد به گمانه‌زنی و حتی شایعه‌پراکنی دست می‌زنند زیرا در مورد مسائل مهم اطلاعاتی ندارند. توضیح خواستن در مورد مسائل

ملی، عدالت اطلاعاتی تنها شامل شفاف‌سازی و توضیح خواستن در مورد مسائل ملی نبوده بلکه شامل اراده به عاملیت از جانب کاربران نیز است. کاربران از طریق فضای مجازی به گفتگو با قدرت می‌پردازند و امیدوارند بتوانند در تصمیم‌گیری‌های مهم ملی و بین‌المللی سهمی داشته باشند. هنگامی که پاسخی از قدرتمندان به دست نیاورند، بی‌عدالتی اطلاعاتی که با سایر سطوح بی‌عدالتی تجمیع گردیده است به خشم منجر می‌شود.

۲-۴ **عدالت بینافردی:** فاصله قدرت بالا سبب احساس بی‌عدالتی بینافردی و کم بودن احساس کرامت در بین افراد و خصوصاً جوانان که بیشترین منتقدان به روابط بافاصله قدرت بالا هستند گردیده است. این احساس رنجش در طیف گسترده‌ای از مسائل خود را نشان می‌دهد؛ از برخورد ناشایست با دختر جوانی که با پوشش مردانه در ورزشگاه حضور یافته، دست‌فروشی که با برخورد خشن مأموران شهرداری مواجه گردیده تا در سطح کلان که فرد احساس می‌کند به دلیل فاصله قدرت بالا نه تنها صدای او به گوش مسئولان کشور نمی‌رسد بلکه برخی از آن‌ها عمداً به صدای او بی‌توجهی می‌کنند. مورد اخیر خصوصاً در جریان سقوط هواپیمای اوکراینی، سخنان نماینده رباط کریم و احساس تحقیر و خشم پس از سخنان او و یا سیلی زدن نماینده مجلس به یک سرباز به شدت آشکار بود. علاوه بر اینکه کاربران نسبت به اتفاقات مشخصی که عدالت بینافردی را زیر سؤال می‌برند واکنش نشان می‌دهند بلکه حتی به مسائل جاری که شاید کمتر نمایان باشند اما فاصله قدرت بالا را نشان می‌دهند نیز می‌پردازند؛ لزوم توجه به برابری جنسیتی در سطح جامعه و گفتمان رسمی، مسائل قومیت‌ها، لزوم وجود مسئولین بومی، لزوم توجه مسئولین به خواست‌های مردم و مواردی از این دست همواره مطرح می‌گردند. خاصیت تصویری فضای مجازی باعث می‌شود زندگی تجملی دارندگان قدرت و برخورداری آن‌ها از مواهبی که سایرین امکان دستیابی به آن را ندارند آشکار گردد (مثلاً دستیابی به کیت تشخیص کرونا و یا واکسن آنفولانزا). همیشه و همان‌طور که گفتیم در زمان‌های خاص این فاصله قدرت بالا، سبب خدشه‌دار شدن احساس کرامت و افزایش احساس بی‌عدالتی بینافردی می‌گردد.

۲-۵ عدالت معرفتی: دو نوع دیگری‌سازی در فضای مجازی ایرانی جریان دارد. نوع اول احساس طردشدگی به خاطر «معیار نبودن» است که بر اساس دوگانه‌هایی همچون مرکز نشین/غیرمرکز نشین، مرد/زن، شهری/روستایی، طبقه متوسط/طبقه کارگر و مانند این صورت می‌گیرد. دیگری‌سازی نوع دوم ناشی از منطبق نبودن افراد با تعاریف رسمی از جوانان است. این دیگری‌سازی‌ها باعث انتقادات و مقاومت‌هایی در فضای مجازی گردیده‌اند. به‌طور کلی سه صورت مرتبط با عدالت معرفتی از دل داده‌ها پدیدار شدند:

۲-۵-۱ تباین میان احکام رسمی و نظرات مردم: این تفاوت به دلیل تکثر در گفتمان‌ها و معناسازی‌های متفاوت و فضای دوقطبی است. نبود گفتمان‌های مشترک و تفاوت برداشت‌ها در سیاست‌های فرهنگی، سیاست خارجی، معاهدات جهانی، قوانین مربوط به جنبش‌های مدنی و مانند این سبب شده تا راه گفتگو بسته شود. تعاریف جوانان با نهادهای رسمی خصوصاً در حوزه‌های حقوقی و به‌طور خاص احکام قضایی در مورد مجازات‌هایی که جنبه عمومی پیدا می‌کنند متفاوت است. همچنین جوانان نسبت به اینکه هرگونه فعالیت صنفی و یا اجتماعی با عناوین و احکام از پیش موجود سنجیده شده و جرم تلقی می‌گردند معترض هستند. از طرفی عنوان‌هایی که به عدالت توزیعی مربوط می‌شوند نیز مورد اجماع قرار نمی‌گیرند. مثلاً جوانان معتقدند که در میزان یارانه یا وام‌های پرداختی تورم موجود محاسبه نمی‌شود. تعریف از آزادی نیز در این حوزه قرار می‌گیرد و تعریفی که گروه‌های مختلف صورت می‌دهند با یکدیگر و با حاکمیت متفاوت است. تا زمانی که زمینه‌های عدالت معرفتی محقق نشوند هرگونه تغییر در قوانین و سیاست‌گذاری‌ها بی‌اثر بوده و حتی ادامه بی‌عدالتی‌ها دانسته می‌شوند.

۲-۵-۲ قطبی شدن جامعه و بی‌صدایی: فضای دوقطبی جامعه که در فضای مجازی نیز جاری است تصورات افراد درباره عدالت را شکل می‌دهد. بسیاری از جوانان معتقدند که به علت عدم تعلق به گرایش‌های سیاسی خاص در اقلیت قرار گرفته و «دیگری» محسوب می‌شوند. مهم‌ترین مسئله‌ای که این گروه‌ها را آزار می‌دهد شنیده نشدن صدایشان به دلیل

این است که نه تنها واژگان آن‌ها واژگان گفتمان حاکم نیست (بی‌عدالتی معرفتی هرمنوتیکی) بلکه در هیچ‌یک از سازمان‌های تصمیم‌ساز عضویت ندارند (بی‌عدالتی معرفتی تصدیقی). به‌طور مثال سیاست‌گذاری‌های مربوط به سبک زندگی (گشت ارشاد، فیلترینگ و مانند این)، از بالا به پایین بوده و به‌طور خاص در حوزه سیاست‌گذاری آموزشی، در مورد تعویق و یا عدم تعویق کنکورهای سراسری هیچ‌گونه ستاد خاصی که پاسخگوی سخنان مخالف و موافق جوانان باشد ایجاد نشد و فضای مجازی تنها محلی بود که نظرات گفته می‌شدند.

۲-۵-۳ مسئله تفاوت: بخش زیادی از پُست‌ها وضعیت نابسامان قربانیان عدالت توزیعی را نشان می‌دهند. این تصاویر اغلب مربوط به نقطه‌ای محروم از شهر یا کشور هستند که فرد مرکز نشین به آن مناطق دسترسی ندارد اما به علت بی‌ریشه‌گی فضای مجازی در معرض دید عموم قرار گرفته‌اند. در واقع این پست‌ها بر این تأکید دارند که گروه‌هایی از دایره مردم خارج شده و در سیاست‌گذاری‌ها و قوانین جایگاهی ندارند. به همین دلیل کاربر با وجود اینکه خود کاملاً در شرایط آن‌ها به سر نمی‌برد اما تلاش می‌کند که وضعیت آن‌ها را منعکس کند. به عبارتی دیدگاه راولزی در مورد «اصل تفاوت» و «اصل پرده بی‌خبری» وجود دارد؛ بنابراین می‌توان گفت گرچه افراد زیادی ممکن است خود را «صاحب حق» بدانند اما فضای حاکم بر تعریف عدالت در شبکه «حساسیت نسبت به عدالت برای محروم‌ترین‌ها» است. به‌طور کلی از آنجایی که تعریف از عدالت به خاطر تعلق به گفتمان‌های متفاوت فرق می‌کند بنابراین مسئله‌سازی از عدالت که توسط مردم و قدرتمندان صورت می‌گیرد نیز معمولاً متفاوت است.

جدول ۲. بر ساخت شدن سطوح عدالت در فضای مجازی

Table 2. Construct of levels of justice in cyberspace

مقوله شماره	مضمون‌ها	خرده‌مضمون‌ها	مصادیق	جملات نمونه یا نشانه‌شناسی تصاویر
۱	عدالت	پایین آمدن	پایین بودن استانداردهای	«افزایش ۷۰ درصدی قیمت لبنیات،

مضمون‌ها	خرده‌مضمون‌ها	مصادیق	جملات نمونه یا نشانه‌شناسی تصاویر
۲: برساخت شدن سطوح عدالت در فضا	توزیعی	استانداردهای معیشتی آموزش، تغذیه، بهداشت و ...	درواقع حذف یک وعده غذایی خانوار، مدارس کپری و ...
	تأثیر گفتمان سیاستمداران	تأکید فرد سیاستمدار بر رفع سریع تمام مشکلات اقتصادی	تأکید مسئولین بر ایجاد اشتغال گسترده، کنترل قیمت کالاهای اولیه و ...
	تأثیر گفتمان حقوق بشر	تأکید بر مواهب اولیه مورد توافق در همه جوامع	تصویر فرد زیاله‌گرد
	خاصیت تصویری فضا	مقایسه دو فرد، موقعیت، گذشته و حال، خود با دیگری و ...	فیش حقوق مسئولین، هشتگ «فرزندت کجاست»
	مرکزگرایی در توسعه	نمایش صحنه‌هایی از محرومیت مناطقی از کشور	نبود آب آشامیدنی در برخی مناطق، خانه‌های محروم
عدالت رویه‌ای	شخص محوری به صورت ایجابی	تأکید بر تعریف نخبه‌گرایانه از موهبت و عدالت	عدم وجود انتقاد در معیارهای تعریف خط فقر
	شخص محوری به صورت سلبی	هر آنچه فرد قدرتمند دارد موهبت محسوب می‌گردد.	نمایش زندگی قدرتمندان، آقازاده‌ها و اشرافیت آن‌ها
عدالت اطلاعاتی	مطالبه شفافیت در مورد اتفاقات ملی	توضیح خواستن در مورد تحلیل رفتن مواهب طبیعی ماند خشک شدن دریاچه‌ها و ...	
	کنشگری در مورد سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی	«کیش فروشی نیست»، «دریای خزر را نفروشید»	
عدالت بینافردی	احساس بی‌احترامی به دلیل تبعیض	«سرمایه‌های کشور من یا صرف اختلاس می‌شه یا خوش گذارانی آقازاده‌ها اما ما فرسنگ‌ها باید راه بریم تا آب شرب بیاریم»	

مضمون‌ها	خرده‌مضمون‌ها	مصادیق	جملات نمونه یا نشانه‌شناسی تصاویر
		احساس بی‌احترامی به دلیل احساس کمبود آزادی و یا عدم احساس حق تعیین سرنوشت فردی و جمعی	«حقوق این نیست که...»
عدالت معرفتی	تباین میان احکام رسمی و نظرات مردم	نبود شباهت میان تعریف جوانان و حاکمان در امور اقتصادی، قضایی و ...	«اگر مجازات سارق معمولی قطع انگشتان دست و یا دست‌هاست پس حق اختلاسگر چیست؟»
	قطبی شدن جامعه و بی‌صدایی	خطاهای سیاستمدار و ناتوانی او در مدیریت بحران	«چرا خیلی چیزها رو ببینیم و ساکت بمونیم؟»
	مسئله تفاوت: صدا شدن برای محرومان	نشان دادن وضعیت نابسامان معیشتی مردم مناطق محروم	«من کودک بلوچستانم، یا اصلاً نمی‌توانم به مدرسه بروم یا به دلیل فقر مجبور به ترک تحصیل می‌شوم»

۳. **برساخت تعاریف قبلی از عدالت:** علاوه بر سنخ‌های استقرائی و نیز سطوح برخاسته از نظریات موجود، همان‌گونه که قبلاً ذکر شد دیدگاه‌های گوناگونی از دیرباز به فرهنگ ایرانی رسوخ کرده‌اند و تا به امروز تعاریف افراد را از عدالت صورت داده‌اند:

۳-۱ **عدالت دینی:** گفتمان دینی از عدالت بیشتر شامل گفتمان اسلامی است که بر توزیع عادلانه مواهب عینی و رفع فقر در جامعه تأکید دارد و با داغ شدن بحث عدالت در فضای مجازی، تعاریف سایر اقلیت‌های دینی که بر مضامینی مشابه تأکید دارند نیز دیده می‌شود. به نظر می‌رسد ایرانیان به دلایل مختلف و از جمله به دلیل غلبه گفتمان اسلامی معیار عدالت توزیعی را بیشتر شامل «برابری» می‌دانند و کمتر بر معیار «شایستگی» و «نیاز» نزدیک می‌شوند. هشتگ‌هایی همچون «مستضعف»، «حق‌الناس» و «بیت‌المال» از گفتمان صدر اسلام و انقلاب اسلامی و همچنین هشتگ‌هایی بر پایه واژگان هم‌معنا و نسبتاً جدیدتر همچون «آقازاده»، «رانت»، «لابی»، «پارتی»، «تبعیض»، «اشراف‌زادگی»، «ژن خوب»، «دانه‌درشت‌ها» و مانند این به شدت تکرار می‌شوند که هم لزوم توزیع مجدد بر پایه برابری

و هم نقش حاکمان را در ایجاد ساختار اساسی مدنظر راولز یادآور می‌شوند. در بسیاری از پُست‌ها جملات حضرت علی(ع) خطاب به مالک اشتر بیان می‌شوند که در آن‌ها بر عدالت و تقوای حاکم و قاضی در جامعه اسلامی تأکید می‌شود و به‌طور موازی نگاه‌های اتویایی همچون مهدویت و برخی صورت‌های انحرافی نیز دیده می‌شوند. میان تعریف عدالت از نظر اسلام و عدالت حقوق بشری در فضای مجازی همگرایی‌های بسیاری وجود دارد. در هر دو تمام انسان‌ها فارغ از دین، سن، جنسیت، قومیت و مانند این شایسته داشتن زندگی عادلانه هستند و نیز بر مواهب مادی در کنار کرامت و ارزش انسانی تأکید می‌شود. حتی می‌توان گفت تعریف عدالت از نظر اسلام زمانی که با تعریف حقوق بشری نزدیکی پیدا می‌کند مورد استقبال بیشتری واقع می‌شود. همچنین تعریف اسلامی و شیعی عدالت از نظر کاربران کاملاً آمیخته با مفهوم آزادی و شأن (عدالت بینافردی) است. در پست‌ها و گفتگوها مرتباً بر رفتار شایسته پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) با موالی، یهودیان، ایرانیان و سایر گروه‌ها تأکید می‌شود. باین‌وجود در نقدهایی که صورت می‌گیرد و نیز گفتگوی غیرمستقیم با مسئولین قضایی تأکید بر بازبینی در قوانین در آزادی‌های فردی، حوزه قضایی و خانواده و شیوه اجرا دیده می‌شود.

۳-۲ عدالت مارکسیستی: در فضای مجازی ایرانی نظام سرمایه‌داری جهانی به‌طور کلی موردنقد است اما در موارد بسیاری نیز با مسائل ملی مطابقت می‌یابد. مفهوم طبقه همواره و خصوصاً در زمان‌هایی که احساس بی‌عدالتی افزایش پیدا می‌کند اهمیت می‌یابد؛ طبقات پایین و شمایل‌های فقر مطلق و نمایندگان و فعالان کارگری، جنبش‌های مجازی (هشتگ‌ها و کمپین‌ها) را در دست می‌گیرند و شمایل بی‌عدالتی تلقی می‌شوند. تقسیم عادلانه یارانه، رفاه، معیشت، کم کردن فاصله‌ها و دادن فرصت‌های برابر، نفی خصوصی‌سازی کامل، تأکید بر ایجاد اشتغال و تولید، نفی لیبرالیسم، مبارزه با گرانی و تورم، مبارزه بافاصله طبقاتی، لزوم برقراری عدالت در کار و مانند این ازجمله مفاهیم کلیدی گفتمان‌های رسمی عدالت هستند که همگرایی بسیاری با عدالت مارکسیستی داشته و خصوصاً در زمان انتخابات بازنمایی بیشتری می‌یابند. در بعد نشانه‌شناختی نیز الهام گرفتن

از شخصیت‌های واقعی (چگوارا و سایر رهبران جنبش‌های مارکسیستی) و نیز داستانی و الهام‌بخش مربوط به ژانر عامه‌پسند (فیلم‌های جوکر، شجاع دل و مانند این) که محوریت آن‌ها عدالت در معنای اعتراضی و مارکسیستی است همواره در فضای مجازی به چشم می‌خورند. نگرش مارکسیستی به‌طور کامل پذیرفته نیست و معمولاً با نگرش اسلامی که بر عدالت توزیعی تأکید دارد تلفیق می‌شود. به عبارتی دغدغه اصلی «عدالت در تولید» نبوده و برعکس «عدالت در توزیع» همواره مدنظر است. تأکید بسیاری بر سهم مساوی تمام افراد جامعه از بیت‌المال، تقسیم صحیح بیت‌المال و عدم اسراف در آن توسط حاکمان توسط امیرالمؤمنین (ع) در داده‌ها وجود دارد. همچنین قرائت دینی با قرائت مارکسیستی در رد لیبرالیسم توافق دارند. در این نگرش لیبرالیسم با عدالت توزیعی سنجیده می‌شود و به این دلیل که در توزیع مواهب مادی عدالت وجود ندارد رد می‌شود.

۳-۳ عدالت حقوق بشری: با توجه به کثرت منابع حقوق بشری و دسترسی راحت به آن‌ها در فضای مجازی و از آنجایی که این تعریف از عدالت کلی، ساده و جهان‌شمول است بسیاری از کاربران از آن حمایت می‌کنند. این تعریف می‌تواند شامل رعایت حقوق تمامی گروه‌های غیرمعیار و درحاشیه و نیز گروه‌های خاص همچون معلولان باشد. نکته قابل توجه در مورد عدالت حقوق بشری این است که گرچه عاملانه/منتقدانه بوده و ساختارهای قانونی را به چالش می‌کشد اما به همان میزان مسئولانه بوده و تمامی افراد جامعه را موظف و مسئول می‌داند. همچنین استفاده از تصاویر شمایی عدالت (اشخاص شمایی حتی اشیایی همچون مجسمه عدالت، تصویر ترازو و مانند این) تعریف حقوق بشری از عدالت و خصوصاً عدالت توزیعی مبتنی بر برابری که از حقوق اولیه مادی تا شأن و آزادی را در برمی‌گیرد و با عدالت بینافردی نزدیکی دارد را به خاطر می‌آورد. به گفته ذکایی و ویسی ۱۳۹۹ فرایند شمایل‌سازی در فضای مجازی به دلیل خاصیت تصویری فضا شدت بسیاری دارد و از آنجایی که در شمایل، دال و مدلول این‌همان هستند، بنابراین عواطف بسیاری توسط این فرایند برانگیخته می‌شوند.

۳-۴ عدالت لیبرالی: عدالت بدون آزادی امکان‌پذیر نیست. در یافته‌ها آزادی داشتن حق طبیعی برای بهره‌مندی از شأن و مواهب لازم و ضروری تعریف می‌شود. مفاهیم آزادی و عدالت در داده‌ها رابطه‌ای کاملاً دیالکتیکی دارند و وجود یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست. «همه برابرند اما بعضی‌ها برابرتند» و عباراتی از این دست از مضامین پرتکرار در این فضا است. در نهایت تعریف از آزادی مقدم بر تعریف عدالت است و حول مفاهیمی همچون مطالبه‌گری و هشتک‌هایی همچون «بی تفاوت نباشیم» شکل گرفته است. گاه تعریف عدالت برای زنان به سمت عدالت جنسیتی می‌رود؛ اما این تعریف بسیار گنگ بوده و بیشتر بر سبک زندگی و کمتر بر خلأهای حقوقی تأکید داشته و همچنین به صورت دوره‌ای و معمولاً در پاسخ به اتفاقات برانگیزاننده صورت می‌گیرد. از طرفی مردانگی‌های فعال ضدتبعیض نیز معمولاً در فضا به صورت پراکنده و محدود حضور دارند و کنش آن‌ها در جهت رفع نابرابری جنسیتی به عاملیت منجر نمی‌گردد. با این وجود مطالب ثابتی همچون آگاهی‌بخشی حقوقی برای هر دو جنس و خصوصاً زنان در برخی صفحات وجود دارند.

۳-۵ تعریف راولزی از عدالت در فضا؛ دوگانه دیگرخواهی/فردمحوری: بازتعریف راولزی از عدالت در فضا را می‌توان به‌عنوان «عدالت مشفقانه لیبرالی» شناخت. از آنجایی که یکی از مهم‌ترین اخلاقیات رایج در فضای شبکه‌ای اخلاقیات لیبرال است بنابراین نگرش افراد نسبت به شفقت علیرغم تشابه زیاد با زمینه‌های فرهنگی همچون عدالت‌خواهی شیعی-ایرانی، به‌شدت با نگرش راولزی درباره عدالت همخوانی دارد؛ ما نسبت به ضعیف‌ترین افراد در جامعه احساس شفقت داریم چراکه بر طبق اصل پرده بی‌خبری راولز همواره تصور می‌کنیم اگر جزو کم‌هوش‌ترین، کم‌قدرت‌ترین و ضعیف‌ترین افراد بودیم ترجیح می‌دادیم در چه جامعه‌ای با چه سطحی از عدالت متولد گردیم. البته با نگاهی به نظریهٔ محرومیت نسبی درمی‌یابیم که نگرش ایرانیان نسبت به عدالت همواره مشفقانه نبوده و در بسیاری موارد خودمحورانه است. تئوری انصاف والستر، والستر و برسچیلد ۱۹۷۸ سه نوع تیپ شخصیتی را در برابر عدالت شناسایی می‌کند:

حساس در برابر انصاف، خیرخواه و افراد صاحب حق . فرد حساس نسبت به عدالت ورودی و خروجی خود را با ورودی و خروجی سایرین مقایسه می‌کند. فرد خیرخواه ترجیح می‌دهد که سهم او از ورودی و خروجی کمتر از دیگران باشد. فرد صاحب حق روابطی را ترجیح می‌دهد که در آن نسبت ورودی و خروجی او بیش از سایرین باشد (Cited in Beugre, 1998). در فضای واقعی و مجازی از آنجایی که امکان گفتگوی رسمی پیرامون عدالت (مثلاً فعالان و اندیشمندان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با نمایندگان قدرت) وجود ندارد گفتگوی غیرمستقیم میان صاحبان قدرت و مردم در فضای مجازی شکل گرفته است. کنش قدرتمندانه واکنشی میان مردم در فضای مجازی برمی‌انگیزد و دوباره در مرحله بعد و در پاسخ به واکنش مردم، قدرت کنش‌ورزی می‌کند. از طرف دیگر تلفیق این نبود فضای گفتگویی و وجود گفتگوی غیرمستقیم باعث شده که قربانیان عدالت بیشتر از اینکه حساس نسبت به عدالت باشند و با معیارهای مشخصی عدالت را بسنجند، خود را با معیارهای شخصی‌شان، صاحب حق بدانند؛ بنابراین تعریف از عدالت تا حد زیادی نسبی و بسته به موقعیت و علائق فردی است و چالش با قدرت در میان گروه‌های مختلف بر سر موضوع عدالت بسیار دیده می‌شود.

جدول ۳. برساخت تعریف پیشین عدالت

Table 3. Construct of the previous definitions of justice

مضمون‌ها	خرده‌مضمون‌ها	مصادیق	جملات نمونه یا نشانه‌شناسی تصاویر
عدالت دینی	رفع فقر و نابرابری	جملاتی از بزرگان دینی با تأکید بر باز توزیع صحیح مواهب	«هدف اسلام این است که فقر ریشه کن شود، نه اینکه فقر باشد و اغنیا فقرا را سیر کنند»
	نقش حاکمان در توزیع مجدد منابع و ایجاد عدالت	سخنانی از بزرگان دینی در مورد رفع فقر و یا ذکر مثال‌هایی از باز توزیع موفق مواهب	«عدالت پیشه‌اش بود و ندیدم در جهان شاهی که در تقسیم بیت‌المال تا این حد امین باشد»

مضمون‌ها	خرده‌مضمون‌ها	مصادیق	جملات نمونه یا نشانه‌شناسی تصاویر
	نگرش‌های اتوپیایی	تأکید بر منجیان دینی، سیاسی و ...	«آقا جان بیا که جهان پر از بیداد شده»، ...
	نزدیکی با تعریف حقوق بشری	همه افراد فارغ از دین و رنگ و ... حق دارند که زندگی خوبی داشته باشند	«... کافران به اهل ایمان جواب دهند آیا ما به کسی که اگر خدا می‌خواست به او هم روزی می‌داد اطعام و دستگیری کنیم؟»
	اهمیت داشتن کرامت انسان	بازبینی در برخی قوانین و به‌طور کلی سیاست‌گذاری‌ها به نفع افراد در حاشیه جامعه	«غذا را از توی آشغال پیدا می‌کنند و می‌خورند و این خبر مغایرت دارد با اصل ۳ بند ۱۲ قانون اساسی»
عدالت مارکسیستی	عدالت در توزیع برخلاف عدالت در تولید (خوانش عکس از مارکسیسم)	تأکید بر نابرابری در درآمدها و دستمزدها و عدم دسترسی اقشار گوناگون جامعه به مواهب اولیه	مقایسه‌های نمادین میان حقوق اقشار پایین جامعه و قدرتمندان اقتصادی و سیاسی
	اهمیت مفهوم طبقه خصوصاً در جنبش‌های کارگری		انعکاس عدم دریافت حقوق مشاغل سخت، اعتصابات کارگران و شمایل‌های اصلی آن‌ها
	مشابهت با گفتمان رسمی	تأکید کاربران بر برخی گفتمان‌های واژگان رسمی که با گفتمان مارکسیستی اشتراک دارند	وعده‌های سیاست‌مداران در زمینه افزایش یارانه‌ها، ایجاد مسکن ارزان‌قیمت و ...
	ابعاد نشانه‌شناختی	شمایلی گشتن برخی تصاویر مربوط به	چگوارا، برش‌هایی از فیلم‌های شجاع‌دل،

مضمون‌ها	خرده‌مضمون‌ها	مصادیق	جملات نمونه یا نشانه‌شناسی تصاویر
		شخصیت‌های واقعی یا سینمایی با موضوع اعتراض در برابر بی‌عدالتی	جو کر و ...
عدالت حقوق بشری	به چالش کشیدن ساختارهای قانونی	انتقاد مستقیم یا غیرمستقیم از هرگونه قانون نقض‌کننده حقوق افراد جامعه	انعکاس نقض حقوق معلولین، کودکان کار، زنان سرپرست خانوار، اقلیت‌های قومی و دینی و ...
	مسئول دانستن تمامی افراد	به ذکر وظایف ما نسبت به یکدیگر به عنوان انسان و اعضای جامعه	«اگر به خاطر سوء تغذیه این رشد به‌خوبی صورت نگیرد باعث میشه کودک از نظر ذهنی عقب‌افتاده بشه»
	شمایل‌های عدالت	انعکاس گسترده شمایل‌های عدالت که بر برابری افراد جامعه تأکید دارند	فرشته عدالت، تصویر ترازو و مارتین لوتر کینگ و ...
عدالت لیبرالی	رابطه متقابل عدالت و آزادی	انواع مطالبه‌گری‌ها و نقد تضییع آزادی با نام برقراری عدالت	«این کمونیست‌ها - سوسیالیست‌ها هیچ‌کدام هم حاضر نیستند در کشورهای سوسیالیستی زندگی کنند!»
	تغییر در قوانین متناسب با آزادی و کرامت انسان	ذکر قوانینی که به نحوی نقض‌کننده حقوق گروهی از افراد هستند	تبعیض در مورد گروه‌های گوناگون جامعه
	دیگرخواهی/فردمحوری	اعتقاد هم‌زمان به «عدالت مشفقانه لیبرالی»	«حمل باری سنگین‌تر از وزنش و بلندتر از قدش

مضمون‌ها	خرده‌مضمون‌ها	مصادیق	جملات نمونه یا نشانه‌شناسی تصاویر
		و لیبرالیسم محض و «صاحب حق» دانستن خود	برای لقمه‌ای نان»، مقایسهٔ مداوم وضعیت خود با دیگران

۴. استراتژی‌های برساخت عدالت: علاوه بر سنخ‌های به‌دست آمده، مقولهٔ بعدی شامل برخی استراتژی‌هایی است که در برساخت مفهوم عدالت نقش داشته و به‌صورت استقرائی به دست آمدند:

۴-۱- **تجمیع تعاریف عدالت:** به دلیل بینامتنیت موجود در فضای مجازی، به‌طور هم‌زمان تمام سطوح عدالت مطرح‌شده و به شکل هم‌افزایی خلاً در یک بخش باعث احساس خلاً در سایر بخش‌ها می‌شود. به بیان دقیق‌تر میان بی‌عدالتی توزیعی، اطلاعاتی، بینافردی، رویه‌ای و معرفتی هم‌افزایی دیده می‌شود. به‌طور مثال ممکن است اطلاع یافتن از اسناد منتشرشده در مورد مسائل کلان منجر به افزایش احساس بی‌عدالتی توزیعی شود و یا هم‌زمانی برخی سیاست‌گذاری‌های حوزهٔ سبک زندگی همچون گشت ارشاد با مشکلات اقتصادی، احساس بی‌عدالتی معرفتی، بینافردی و حتی معرفتی را افزایش دهد. این بینامتنیت در مورد سطوح عدالت و سایر مسائل ساختاری در زمان‌های گوناگون نیز اتفاق می‌افتد. به‌طور مثال مسئله‌ای همچون کرونا و تلاقی کنکورهای سراسری با آن باعث یادآوری بسیاری از مسائل ساختاری شد. مسائل جدید مرتبط با عدالت با مسائل قبلی و عواطف مرتبط با آن‌ها در هم پیوسته‌اند. این خاصیت با فضای کارناوالی و زبان گروتسکی موجود در فضا تلفیق می‌گردد و گرچه عنصر اصلی امر گروتسکی یعنی واژگون ساختن رابطهٔ قدرت را در خود دارد اما اجزای آن‌ها، موضوعات موردبحث، تعریف دقیق عدالت یا بی‌عدالتی در آن مورد خاص، مخاطب در حال نقد شدن و راهکار پیشنهادی مشخص نیست.

۲-۴ شمایل‌سازی از عدالت: رابطه میان دال و مدلول در یک شمایل رابطه همانندی است؛ بنابراین فضای مجازی با پراکنش شمایل‌های عدالت، بازتعریف عدالت را جهت می‌بخشد. این شمایل‌ها اغلب شامل افراد حوزه سیاست رسمی هستند که به صورت دوره‌ای نماینده گفتمان خاصی در مورد عدالت بوده‌اند و همچنین گاهی این شمایل‌ها از فعالان اجتماعی هستند. همچنین می‌توان به فعالان حوزه‌های کارآفرینی و اقتصادی، شمایل‌های دینی و به‌طور خاص شیعی، شخصیت‌های تاریخی عدالت، چهره‌های مبارز انقلاب و اوایل پیروزی انقلاب اشاره کرد. خوانش‌های آن‌ها معمولاً ترکیبی از انواع سطوح عدالت است؛ بنابراین این تعاریف که فقط توزیع مواهب مادی را شامل نمی‌شوند در خوانش‌های جدید کاربران از عدالت که با آزادی در پیوند است، به شدت همخوانی دارند.

۳-۴ نقش قدرت در برساخت مفهوم عدالت: ظهور گفتمان‌های رسمی از عدالت: دو گفتمان رسمی عدالت شناسایی شدند که مبتنی بر نمونه آرمانی بوده و در بسیاری موارد با یکدیگر همپوشانی دارند. در «گفتمان پوپولیستی عدالت» عباراتی همچون «خادم یا خدمت‌گزار ملت»، «نوکر مردم»، «حامی مستضعفین» و مانند این وجود دارند. در واقع مفاهیم مستتر در چنین خودخوانگاری می‌تواند شامل ادعای رفع محرومیت‌های اقتصادی توسط سیاست‌مدار موردنظر، عدم توجه به خلاهای قانونی احتمالی در انجام وعده‌های موردنظر، بی‌توجهی به تغییرات جناحی فرد قهرمان و احتمالاً تصنعی بودن شعارهای او و در نهایت خلع قدرت و مسئولیت از خود مردم و نماینده‌های آن‌ها باشند. برخی از کاربران به خوانش مرجح متون رسمی می‌پردازند. در خوانش‌های توافقی کاربران معتقدند زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف فرد موردنظر وجود ندارد. در خوانش تخالفی مخاطبان حرکات فرد را نمایی دانسته و باخشم و نفرت سخنان او را تلاش‌هایی برای تصدیق مناصب بعدی می‌دانند. در گفتمان بعدی یعنی «گفتمان عمل‌گرا» نیز تمام وظایف بر دوش قهرمان است. فرد قهرمان بدون توجه به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود باید بتواند یک‌تنه عدالت را در جامعه برقرار کند. مفاهیمی همچون «کار جهادی»،

«بیت‌المال»، «مبارزه با مفسد و فساد»، «شفافیت» و در برخی موارد تأکید عمل‌گراتری بر «تحول اقتصادی» یا «ثبات اقتصادی» در این گفتمان کاربرد دارند. در مقایسهٔ میان دو گفتمان می‌توان گفت که در گفتمان پوپولیستی واژگان مربوط به عدالت توزیعی مانند تورم، یارانه، بیکاری و مانند این تکرار می‌شوند. گرچه در گفتمان دوم نیز همچنان بر معیشت تأکید می‌شود اما ادعا برای تحقق عدالت بینافردی از طریق مبارزه با فساد نیز وجود دارد. گفتمان دوم واقع‌گراتر است اما درنهایت در آن منجی وجود داشته و مردم و خصوصاً جوانان عاملیت ندارند و بنابراین تعاریف آن‌ها نیز در این گفتمان جایی ندارد. تأکید بر عدالت توزیعی مادی و کالایی نگرستن به عدالت در هر دو وجود دارد که با مصادیقی همچون افزایش یارانه‌ها و نیز افزایش خدمات بیمه‌ای شناخته می‌شود گرچه در گفتمان دوم صورت پیچیده‌تری داشته و عدالت قضایی (مبارزه با نجومی‌بگیران، مبارزه با دانه‌درشت‌ها و مانند این) نیز مدنظر است. تأکید گفتمان رسمی بر عدالت اجتماعی کالایی شده در قالب مفاهیمی همچون سهام عدالت، سبد کالا و مانند این باعث شده تا در فرهنگ عامه نیز عدالت «کالایی» شود و تعریف از عدالت بیشتر به عدالت توزیعی مادی نزدیک شود. البته تفاوت گفتمان رسمی با گفتمان عمومی در این است که در گفتمان رسمی مبنای عدالت توزیعی «نیاز» است و تنها شامل بخشی از افراد جامعه می‌شود در حالی که در گفتمان عمومی جامعه عدالت توزیعی با برابری تعریف شده و شامل همهٔ اعضای جامعه است.

قهرمانان گفتمان رسمی معمولاً در حال چرخش گفتمانی هستند که به‌طور مثال در ترکیب آزادی با عدالت در شعارهایشان و به کار بستن مفاهیمی همچون مطالبه‌گری دیده می‌شود. یکی از مکانیزم‌های گفتمان رسمی استفاده از مقدس‌سازی اسامی قهرمانان گفتمان‌های رسمی عدالت است که با انواع استعاره‌ها، تشبیهات و مانند آن صورت می‌گیرد. تصاویر نیز به‌طور خاص محل بازنمایی و خوانش‌های گوناگون انواع گفتمان رسمی عدالت است؛ تصویر فرد عدالت‌گستر در حال کمک به مردم بحران‌دیده که عموماً مورد خوانش مرجح یا توافقی قرار می‌گیرد و یا تصویر فردی که خود را عدالت‌گستر

معرفی کرده اما تعداد زیادی از پوسترهای تبلیغاتی او بر روی سطل زباله‌ای چسبانده شده که به‌طور هم‌زمان زباله‌گردی در آن سطل خم‌شده و به دنبال زباله می‌گردد.

جدول ۴. استراتژی‌های بر ساخت عدالت

Table 4. Justice construction strategies

مضمون‌ها	خرده‌مضمون‌ها	مصادیق	جملات نمونه یا نشانه‌شناسی تصاویر
	هم‌افزایی سطوح عدالت	خشم از هم‌زمانی دو صورت از بی‌عدالتی	کسری بودجه و اختلاس (بی‌عدالتی رویه‌ای) و خشم از گشت ارشاد (عدالت بین‌فردی و معرفتی)
تجمیع تعاریف عدالت	بینامتنیت و تجمیع سطوح عدالت در طول زمان	انواع مثال‌های بی‌عدالتی در سطوح گوناگون وجود دارند که با هر رویداد جدید به ذهن متبادر می‌شوند	ربط دادن آقا زادگی (تجمل، ژن خوب، ساشا سبحانی، فرزندان خارج‌نشین مقامات و ...) (عدالت توزیعی و رویه‌ای) با «خودت بمال» وزیر بهداشت (بی‌عدالتی بین‌فردی)
شمایلی سازی از عدالت	چهره‌های تاریخی، سیاسی، دینی و ... مرتبط با عدالت تبدیل به شمایل عدالت شده‌اند		حضرت علی (ع) (اسلامی)، چگوارا (مارکسیست)، اتوشیروان (تاریخی) و ...
نقش قدرت در بر ساخت مفهوم عدالت	گفتمان‌های پوپولیستی و عمل‌گرا از عدالت	گفتمان پوپولیستی بر عدالت توزیعی و گفتمان عمل‌گرا بر عدالت بین‌فردی و کرامت تأکید دارند	وعده‌های انتخاباتی مبنی بر افزایش یارانه‌ها، «وقتی قوه قضاییه بعد از ۳۰ سال جنگل نهارخوران گرگان را از دست قضات بازنشسته نجات می‌دهد»
	خوانش چندگانه کاربران از گفتمان‌های قدرت	تشکر و ستایش (خوانش مرجح)، مفید دانستن آن‌ها در شرایط موجود (خوانش توافقی) و نمایشی دانستن حرکاتشان	«صل علی محمد یاور محرومان آمد»، «شاید آگه ... دوباره رأی بیاره بتونیم خونه‌دار بشیم». انواع کلمات توهین‌آمیز در خوانش تخالفی

مقاله شماره ۴: استراتژی‌های بر ساخت عدالت

مضمون‌ها	خرده‌مضمون‌ها	مصادیق	جملات نمونه یا نشانه‌شناسی تصاویر
		(خوانش تخالفی)	
	چرخش گفتمان‌های رسمی عدالت	تلاش برخی از گفتمان‌های رسمی عدالت برای تعریف مقبول‌تری از عدالت	به کارگیری مفهوم کرامت و مطالبه‌گری که با شأن و آزادی نزدیکی دارند در گفتارهای مسئولین
	مقدس‌سازی قهرمان	هاله‌سازی برای فرد قدرتمند با اتصال او به انواع موضوعات	تشبیه قهرمانان عدالت رسمی به شخصیت‌های دینی برجسته و یا شخصیت‌های مقبول معاصر

۵. پیامدهای برساخت مفهوم عدالت در فضای مجازی: صورت‌های مختلفی از کنشگری در فضای مجازی ایرانی دیده می‌شود؛ هنگامی که کاربران بتوانند از طریق ایجاد هشتگ‌ها، کمپین‌ها و چالش‌ها و درنهایت جنبش‌ها به موازنهٔ قدرت پرداخته و بر تصمیمات سیاست‌گذاران تأثیر بگذارند، با صورت فعال کنشگری روبرو خواهیم بود. کنشگری محدود در زمان‌هایی دیده می‌شود که کاربران وارد گفتگو با قدرت شده و به مطالبه‌گری‌های مقطعی می‌پردازند درحالی‌که کنشگری پایدار منجر به تغییر در قوانین، ایجاد فضاهای جدید همچون تشکلات و احزاب و مانند این می‌گردد. شاهد پراکنده بودن مطالبات هستیم که راه را برای کنشگری ناهموار ساخته‌اند. حوزه‌های مختلفی مطرح می‌شوند که این تنوع خود را در انواع هشتگ‌ها نشان می‌دهد: هشتگ‌هایی همچون «رتبه‌بندی معلمان»، «خط فقر»، «رتبه‌بندی پوشالی»، «آموزش و پرورش»، «کارگران»، «زنان»، «افغانستان»، «همسان‌سازی حقوق بازنشستگان»، «سربازی اجباری»، «نظام پرداخت» و مانند این نشان‌دهندهٔ این تنوع است. کاربران جوان به گونه‌های مختلف خود را درگیر در تمامی این مسائل می‌دانند حتی اگر مستقیماً با تمام آن‌ها در ارتباط نباشند. به دلیل پیوند میان احساس عدالت و سرمایهٔ اجتماعی درون گروهی از یک‌طرف هشتگ‌هایی همچون «نه به انتقال آب» و از طرف دیگر «زاینده‌رود جاری حق مسلم ماست» که در یک‌زمان به راه می‌افتند. این پراکندگی و حتی تناقض ذاتی و منطقی همچنین در مواردی حذف یا عدم

حذف کنکور، افزایش یا عدم افزایش ظرفیت پذیرش رشته‌های پزشکی و مانند این کاملاً آشکار بود. به‌طور کلی از آنجایی که چانه‌زنی سیستماتیک نمایندگان احزاب و تشکل‌های مختلف با قدرت صورت نمی‌گیرد در بسیاری موارد شاهد پیامدهای منفی تعریف عدالت در فضا هستیم که از نفرت و خشم منفعلانه تا پراکندگی و بی‌هدفی فعالیت‌های مدنی و سرخوردگی ناشی از آن و نیز پراکنده بودن و گاه بی‌فایده بودن کنشگری‌ها را شامل می‌شود.

جدول ۵. پیامدهای برساخت عدالت در فضای مجازی

Table 5. Consequences of construct of justice in cyberspace

مضمون‌ها	برآیند کلی فضا	جملات نمونه یا نشانه‌شناسی تصاویر
غلبه تعاریف نخبه‌گرایانه از عدالت در فضای مجازی	تعاریف افراد از عدالت بر اساس واژگان گفتمان رسمی و اینکه گویی تنها قهرمانان رسمی عدالت در دوره‌های گوناگون قادر به تشخیص و تعریف عدالت هستند	«همین خونه‌های پرند که برای اجاره‌اش باید ۵۰ میلیون پول بدی رو ... تقدیمتون کرد، نمک‌نشناس نباشید»، «دشمنان کشور و ساختار حاکم قلمداد کردن هر نوع اعتراض
عاملیت مجازی به خاطر کاربران نبود امکان مستقیم برای چانه‌زنی با قدرت	رابطه هم‌زمانی میان نبود امکان قدرت چانه‌زنی مستقیم با قدرتمندان در موضوعات گوناگون و نیز عاملیت در فضا وجود دارد	هشتک‌هایی همچون «نه به گشت ارشاد»، «نه به فیلترینگ»، «من دریاچه ارومیه هستم»، «خزر را نجات دهید»
دیگری‌سازی‌های دوگانه	نه تنها گروه‌های آسیب‌دیده جامعه بلکه تمامی گروه‌هایی که تعاریف متفاوت از عدالت و مفاهیم همبسته با آن دارند نیز دیگری هستند	در مرتبه اول جوانان دچار آسیب‌های گوناگون و در مرتبه دوم تمام گروه‌های آن‌ها دیگری تلقی می‌شوند
مقاومت در برابر دیگری‌سازی‌ها	مقاومت در برابر تعاریف رسمی و احکام قضایی و مانند این که گروه‌های جوانان را دیگری‌سازی می‌کند	مقاومت در برابر احکام قضایی معترضان
رواج عواطف منفی	در نهایت عاملیت در فضا چون به راه‌حل عملی منجر نمی‌شود به عواطف منفی در فضا دامن می‌زند	خشم: «حقمونه هرچی سرمون بیاد، ازبس که هرکی فکر خودش»، ناامیدی: «بالا تر از سیاهی رنگ روزگار دهه‌شصتی‌هاست»

مقوله شماره ۵: پیامدهای برساخت مفهوم عدالت در فضا

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش که به دنبال شناسایی برساخت مفهوم عدالت در سطح زندگی روزمره هستیم تلاش کردیم تا با بهره‌گیری از تمامی دیدگاه‌های موجود که آبشخور تعریف عدالت در جامعهٔ ایرانی هستند و نیز نظریات موجود، حساسیت نظری ایجاد کرده و سپس با بررسی استقرائی فضای مجازی ایرانی، برساخت مفهوم عدالت با تمامی ابعاد آن را بررسی کنیم. مهم‌ترین سنخ‌های به‌دست‌آمده شامل عدالت عاملانه/منتقدانه، مسئولانه، اتوپیا، فردگرایانه و ملی/فراملی هستند. این سنخ‌ها بسیاری از مفروضات پیشین و ازجمله تکثر در تعاریف، زمینه‌مندی آن‌ها و هم‌زمانی ابعاد فردی/ساختاری را اثبات می‌کنند. همچنین در این فضا تعاریف قبلی از عدالت که با عنوان سطوح عدالت معرفی کردیم شامل عدالت توزیعی، رویه‌ای، مراوده‌ای با دو صورت بینافردی و اطلاعاتی و معرفتی با دو صورت تصدیقی و هرمنوتیکی نیز همچنان بازنمایی و بازتعریف می‌شوند. این ابعاد در فضای مجازی ایرانی با مسائل ساختاری و زمینه‌های فرهنگی جامعهٔ ما ترکیب شده و خصوصاً در اثر بینامتنیت فضای مجازی، تعاریف جدید و منحصربه‌فردی از آن‌ها ارائه می‌شود که در رابطهٔ درهم‌پیچیده‌ای با یکدیگر قرار دارند. در جامعهٔ ایرانی برخی دیدگاه‌ها و مکاتب همچون اسلام، مارکسیسم، لیبرالیسم و حقوق بشر در دوره‌های تاریخی به فرهنگمان وارد شده و علاوه بر اینکه در تمام ساحات زندگی ترکیب شده‌اند، تعاریف از عدالت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایرانیان را نیز شکل داده‌اند. کنشگران مجازی به بازتعریف این مکاتب پرداخته و آن‌ها را در ارتباط با شرایط ساختاری جامعهٔ ایرانی قرار می‌دهند. در نتیجهٔ بینامتنیت فضای مجازی، تعاریف جدیدی از این مکاتب در حال شکل‌گیری است که ضمن اینکه به سمت همگرایی حرکت می‌کنند، مجدداً بر تعریف عدالت تأثیر می‌گذارند. در برساخت تعاریف از عدالت سازوکارهای پیچیده‌ای همچون تجمیع تعاریف عدالت و شمایل‌سازی که خاصیت تصویری و نیز بینامتنیت فضا بر آن‌ها بسیار تأثیرگذارند و نقش قدرت و پویایی‌های آن نیز دیده می‌شوند. بازتعریف مجدد و خوانش‌های گوناگون از گفتمان‌های رسمی قدرت از وجوه پویای برساخت مفهوم عدالت است. کانال‌های لازم اجتماعی و سیاسی همچون تشکل‌ها و احزاب جوانان برای مداخلهٔ آنان در تعریف عدالت و کنش عدالت‌ورزانه وجود ندارد و

بنابراین تمامی انرژی این گروه در فضای مجازی تخلیه گردیده که منجر به پیامدهایی همچون عاملیت محدود مجازی کاربران به خاطر نبود امکان مستقیم برای چانه‌زنی با قدرت، تنش با قدرت و احساس انفعال و در نتیجه پراکنش عواطف منفی همچون خشم و نفرت و گسترش مطلق‌نگری شده است.

تشکر و سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر جعفر هزارجریبی و سرکارخانم دکتر معصومه قاراخانی برای نظرات مؤثرشان در بهبود مقاله نهایت تشکر را داریم.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق پژوهش در این مقاله رعایت گردیده است.

حامی مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان در نگارش این مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع


تعارض منافع ندارم.

ORCID


Simin Veisi

 <http://orcid.org/0000-0002-2527-4804>


Ardehsir Entezari

 <http://orcid.org/0000-0002-8798-8511>

Mohammadsaeed Zokaei

 <http://orcid.org/0000-0001-7134-0801>

Ali Akbar Tajmazinani

 <http://orcid.org/0000-0003-4379-3461>

References

- Askari, H. & Mirakhor, A. (2020). *Conceptions of Justice from Islam to the Present*. Palgrave, Mac Millan.
- Babatunde Muraina, M. (2016). *Quality Control and Standards of Organizational Justice in Nigerian Higher education: the Roles and interplay of Various Agencies*, In N. P. Ololube (Ed.), *Handbook of Research on Organizational justice and Culture in Higher Education institutions*. IGI Global.
- Balakrishnan, R. Heintz, J. & Elson, D. (2016). *Rethinking Economic Policy for Social Justice: The radical potential of human rights*. London: Routledge.
- Banks, C. (2009). *Criminal Justice Ethics, Theory and Practice*, London: Sage Publication.
- Beugre, C. D. (1998). *Managing fairness in organizations*. Santa Barbara, California: Greenwood Publishing Group.
- Boellstorff, T. Nardi, B. Pearce, C. & Taylor. T. L. (2012). *Virtual Worlds: A Handbook of Method*. New Jersey: Princeton University Press.
- Cline, E. M. (2013). *Confucius, Rawls and the Sense of Justice*. New York: Fordham University Press.
- Coady, D. (2017). *Epistemic Injustice as Distributive Injustice*, In I. J. Kidd, J. Medina & G. Pohlhaus (Eds.), *Routledge Handbook of Epistemic Injustice*. London: Routledge.
- Chandler, D. (2004). *Semiotics: The Basics*, New York: Routledge.
- Chelladurai, P. (2006). *Human Resource Management in Sport & Recreation*. Champaign, Illinois: Human Kinetics.
- Dehghan, H. (2004). *Scent of Justice: Analysis of the concept of justice and its effect on criminal law (based on Islamic teachings)*. Qom: Resalat [In Persian].
- Dieleman, S. (2015). *Epistemic justice and democratic legitimacy*. *Hypatia*, 30(4), 794-810.
- Dirk Dubber, M. (2006). *Sense of Justice, Empathy in Law and Punishment*. New York: New York University Press.
- Entezari, A. (2010). Polarization as an alternative to the concept of globalization, *Politics Quarterly*, 12 (30), 193-218 [In Persian].
- Fleurbaey, M. Salles, M. & Weymark, J. A. (2008). *An Introduction to Justice, Political Liberalism, and Utilitarianism*, In M. Fleurbaey, M. Salles & J. A. Weymark (Eds.), *Justice, Political Liberalism, and Utilitarianism Themes from Harsanyi and Rawls*. Cambridge: Cambridge university press.

- Flick, O. (2009). *An Introduction to Qualitative Research*, H. Jalili, Trans. Tehran: Ney Publishing [In Persian].
- Folger, R. & Cropanzano, R. (2001). *Fairness Theory: Justice and Accountability*, In J. Greenberg & R. Cropanzano (Eds.), *Advances in Organizational Justice*, Atanford, California: Standford University Press.
- Fricker, M. (2006). Powerlessness and Social Interpretation, *Episteme*, 3(1-2), 96-108.
- Fricker, M. (2007). *Epistemic Injustice: Power and the Ethics of Knowing*, Oxford: Oxford University Press.
- Freeman, S. (2007). *Justice and the Social Contract, Essays on Rawlsian Political Philosophy*. Oxford: Oxford University Press.
- Ghafari, G. (2018). *Values and Attitudes of Iranians (2015) Student and Non-Student Population: National Survey Findings*. Tehran: Institute for Social and Cultural Studies [In Persian].
- Given, L. M. (2008). *The Sage encyclopedia of qualitative research methods*. Thousand Oaks, California: Sage Publication.
- Golding, C. (2012). Epistemic progress: a construct for understanding and evaluating inquiry. *Educational Theory*, 62(6), 677-693.
- Grbich, C. (2004). *New Approaches in Social Research*. London: Sage Publication.
- Haghighat, A. (1996). *History of Iranian national movements, from the Mongol tyranny to the height of Safavid rule*. Tehran: Koomesh [In Persian].
- Hall, S. (1977). *The work of representation*. In S. Hall (Ed.), *Cultural Representation and Signifying Practices*. London: Sage Publication.
- Hall, S. (1993). *Encoding-decoding*, In S. During (Ed.), *The Cultural Studies Reader*. London: Routledge.
- Hall, S. (2005). *Encoding, decoding*. In S. Hall, D. Hobson, A. Lowe & P. Willis (Eds.), *Culture, Media, Language*. London: Routledge.
- Karagiannis, E. (2018). *The New Political Islam: Human Rights, Democracy and Justice*, Philadelphia: Penn, University of Pennsylvania Press.
- Kasemsup, K. (2016). *The Roles of Organizational Justice, Social Justice and Organizational Culture in Global Higher Education*, In N. P. Ololube (Ed.), *Handbook of Research on*

- Organizational Justice and Culture in Higher Education Institution. IGI Global.
- Kerwin, S. Jordan, J. S. & Turner, B. A, (2015). Organizational Justice and Conflict: Do Perception of Fairness Influence Disagreement? *Sport Management Review*, 18: 384-395.
- King, N. & Horrocs, C. (2010). *Interviews in Qualitative Research*. London: Sage Publication.
- Komodromos, M. & Halkias, D. (2015). *Justice During Strategic Change, the Employee's Perspective*. London: Routledge.
- Kozinets, R. V. (2010). *Netnography: Doing Ethnographic Research Online*. London: Sage Publication.
- Kristeva, J. (1989). *Word, Dialogue and Novel. Desire in Language: A Semiotic Approach to Literature and Art*. L. S. Roudiez, Trans. Thomas Gora et al (Ed). New York: Columbia U.P.
- Kurasawa, F. (2007). *The Work of Global Justice Human Rights as Practices*, Cambridge: Cambridge University.
- Lashkari, A. (2014). *Basics of Social Justice in Islam*. Qom: Hawzah and University Research Institute (In Persian)
- Lee, E. Herschman, J. & Johnstone, M. (2019). How to convey social workers' understanding to clients in everyday interactions? Toward epistemic justice. *Social Work Education*, 38(4), 485-502.
- Lecuyer, L. White, R. M. Schmook & Birgit, L. (2018). Violaine and Clame. Sophic, the Construction of Feeling of Justice in Environmental Management: an Empirical Study of Multiple Biodiversity Conflict in Calakmul, Mexico, *Journal of Environmental Management*, 213: 363-373.
- Lengfeld, H. (2007). *Subjective Impartiality: Justice Judgements between Morality and Self Interest*, In K. Tornblom and R. Vermont (Eds.), *Distributive and Procedural Justice, Research and Social Applications*. Derbyshire: Ashgate.
- Lyer, U. J. (2008). *Cultural Differences in Perceptions of Fairness*, In C. Wankel (Ed.), *Organizational Contexts, in 21st Century Management, a Reference Handbook*: London: Sage Publication.
- Maranlou, S. (2015). *Access to Justice in Iran: Women, Perceptions, and Reality*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Martin, B. & Ringham, F. (2006). *Key Terms in Semiotics*. Continuum: New York City.

- McCarthy, G. E. (2018). *Marx and Social Justice Ethics and Natural Law in the Critique of Political Economy*. Leiden and Boston: Brill.
- McLeod, J. D., Lawler, E. J. & Schwalbe, M. (2014). *Handbook of the Social Psychology of Inequality*. New York City: Springer.
- Meredith, M. (2020). *Creating spaces of dialogical action towards epistemic justice in higher education* (Doctoral dissertation, York St John University).
- Mirsondosi, M. (2008). Analysis of people's understanding of justice in Mashhad, *Journal of Iranian Social Studies*, 4 (4), 84-96 [In Persian].
- Montada, L. (2007). *Justice Conflicts and the Justice of Conflict Resolution*, In K. Tornblom & R. Vermont (Eds.), *Distributive and Procedural Justice, Research and Social Applications*. Derbyshire: Ashgate.
- Navaei Lavasani, M., Sediq Sarvestani, R. & Zahedi Mazandarany, M. (2013). Feeling Justice and Its Social Factors, *Social Welfare Quarterly*, 13 (49), 181-212 [In Persian].
- Newbigging, K. & Ridley, J. (2018). *Epistemic Struggles: The Role of Advocacy in Promoting Epistemic Justice and Right in Mental Health*, *Social Science and Medicine*, 21936-44.
- Nussbaum, M. C. (1999). *Sex and Social Justice*. New York, Oxford: Oxford University Press.
- Rawls, J. (2001). *Justice as Fairness, a Restatement*. E. Kelly (Ed). Cambridge, Massachusetts: The Belknap Press of Harvard University Press (2nd edition).
- Research Institute of Culture, Art and Communication in collaboration with the Ministry of Interior and the Iranian Students' Opinion Polling Center (ISPA). (2015). *National Plan for Measuring the Social Capital of the Country*, Tehran, Iran [In Persian].
- Riahi, M., Eskandari, S. & Hakiminia, B. (2018). A Study of the Relationship between Media Consumption and Feeling of Justice among the Students of Mazandaran University, *Journal of Applied Sociology*, 29(3), 1-18 [In Persian].
- Sarat, A. & Kearns, T. R. (2004). *The Unsettled Status of Human Rights: An Introduction*, In A. Sarat & T. R. Kearns (Eds.), *Human Rights: Concepts, Contests, Contingencies*. Michigan: Michigan publishing.
- Sattari, J. (1991). *The field of people's culture*. Tehran: Virastar Publisher [In Persian].

- Schwalbe, M. Holden, D. Schrock, D. Godwin, S. Thompson, S. & Wolkomir, M. (2000). Generic processes in the reproduction of inequality: An interactionist analysis. *Social forces*, 79(2), 419-452.
- Schwalbe, M. (2005). *Identity Stakes, Manhood Acts and the dynamics of Accountability*, In N. K. Denzin, J. Salvo, A. Durhan, K. Dolan, G. Kien and D. Monje, (Eds.), *Studies in Symbolic Interaction*. Amsterdam: Elsevier.
- Sen, A. K. (2010). *Idea of Justice*, V. Mahmoudi & H. Homayounpour, Trans. Tehran: Kand-o-Kav [In Persian].
- Shabani, R. (1991). *Fundamentals of Social History of Iran*. Tehran, Iran: Qoms [In Persian].
- Shoikhedbrod, I. (2019). *Revisiting Marx's Critique of Liberalism Rethinking Justice, Legality and Rights*. Palgrave Macmillan.
- Soroush, A. (1998). *Tolerance and Management*. Tehran: Serat [In Persian].
- Stroud, C. & Kerfoot, C. (2020). Decolonising higher education: Multilingualism, linguistic citizenship & epistemic justice. *Working Papers in Urban Language & Literacies*, (265), 1-21.
- Thye, S. & Kalkhof, W. (2014). *Theoretical Perspectives on Power and Resource Inequality*, In J. D. MacLeod, E. J. Lawler and M. Schwalbe (Eds.) *Handbook of the Social Psychology of Inequality*. New York City: Springer.
- Vahabzadeh, P. (2017). *Iran's Struggles for Social Justice: Economics, gency, Justice, Activism*. Palgrave Macmillan.
- Vermont, R. & Tornblom, K. (2007). *Distributive and Procedural Justice*, In K. Tornblom & R. Vermont (Eds.), *Distributive and Procedural Justice*, Reaserch and Social Applications. Derbyshire: Ashgate.
- Walker, M. (2020). Failures and possibilities of epistemic justice, with some implications for higher education. *Critical Studies in Education*, 61(3), 263-278.
- Walzer, M. (2009). *Spheres of justice: a defense of pluralism and equality*, S. Najafi, Trans. Tehran: Sales Publication [In Persian].
- Zokaei, M. S. & Veisi, S (2019). *Discourses of hope in social networks*. In H. Khaniki (Ed.), *Social Hope, Essence, Status and Etiology*. Tehran: Institute for Social and Cultural Studies [In Persian].

- Zokaei, M. S. & Veisi, S. (2021a). The Effects of the COVID-19 Pandemic on the Emotional Structure in the Mirror of Iranian Virtual Social Networks, *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 13 (2), Serial Number: 50, 1-29 [In Persian].
- Zokaei, M. S. & Veisi, S. (2021)(b). Iranian Masculinity in Cyberspace: Types, Discourses, Conflicts, *Iranian Journal of Sociology*, 22 (3), 68-92 [In Persian].
- Zokaei, M. S. & Veisi, S. (2021)(c). *Virtual life in Iran: Emotions and Subcultures in Social Networks*. Tehran: Agah [In Persian].

استناد به این مقاله: ویسی، سیمین، انتظاری، اردشیر، ذکائی، محمدسعید، تاج‌مزینانی، علی‌اکبر. (۱۴۰۱). دیدگاه‌های جوانان درباره عدالت در فضای مجازی فارسی‌زبان (سنخ‌ها، استراتژی‌ها و پیامدها)، ۲۹(۹۶)، ۱-۴۶.

DOI: 10.22054/qjss.2022.62618.2428



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...